

۲ راهبرد گره‌گشا
پیشنهاد خاتمی در سیاست خارجی

۴ کافه
ابراهیم رهبر درگذشت

قصه‌گوی فقر فرودستان
ابراهیم رهبر درگذشت

۶ توسعه
گروه‌های متضرر رفع ناترازی‌ها

هزینه رفاه
گروه‌های متضرر رفع ناترازی‌ها

۷ کوچه
سیستان زیر گردوغبار

سیستان زیر گردوغبار
بادهای ۱۲۰ روزه بی‌امان می‌وزند

پیام صلح تهران

رئیس‌جمهور پزشکیان در مجمع گفت‌وگوی تهران:

ترامپ گفته است که ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد

می‌توانند بیایند و بر این امر نظارت کنند؛ ما قرار نیست سلاح هسته‌ای تولید کنیم

گروه بین‌الملل: مجمع گفت‌وگوی تهران (یکشنبه) در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و با حضور ۲۰۰ هیأت مشتمل بر مقامات ارشد ۵۳ کشور، وزرا و تصمیم‌سازان خلیج فارس و نمایندگان سازمان ملل برگزار شد. در ابتدای این مراسم یاد شهید حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه پیشین ایران گرامی داشته شد. رئیس‌جمهور پزشکیان در افتتاحیه این مجمع با بیان اینکه متأسفانه پیام سیاست خارجی دولت چهاردهم در خصوص تعامل با دنیا از طرف غرب شنیده نشد، گفت: من براساس نگاه اعتقادی خود باور دارم که همه انسان‌ها با هم برابرند و ما نیازی به دعوا با یکدیگر نداریم. همه انسان‌ها به تصریح قرآن کریم دارای کرامت هستند و ما اگر این را بپذیریم، جایی برای اختلاف و دعوا باقی نمی‌ماند؛ کسانی که دعوا به راه می‌اندازند از روح شیطانی خود دنباله‌روی می‌کنند. البته همین کسانی که تجاوز و تعدی می‌کنند نیز سعی می‌کنند به جنایات خود رنگ حق ببخشند چراکه می‌دانند، فطرت انسان‌ها اعمال ناحق را بر نمی‌تابد.

| ادامه در صفحه ۳



یادداشت روز

پاسداشت حق حیات

درباره عادی شدن مرگ در کشور

صالح نقره‌کار

حقوقدان



همه حق‌های بنیادین و آزادی‌های اساسی شهروندان، محتاج صیانت و مراقبت و پرستاری و پردازش هستند. دولت‌ها در قبال حق‌های بنیادین و آزادی‌های اساسی باید چند حرکت را مدنظر داشته باشند: اول شناسایی، دوم آموزش، سوم تدریس، چهارم احقاق و اجرا، پنجم احترام و تکریم، ششم تضمین و هفتم دیدهبانی و نظارت. در مورد حق حیات از آنجا که مبرم‌ترین، ضروری‌ترین و مهم‌ترین حق‌های بشری است باید ضمانت اجراهای موثر و بازدارنده‌ای مدنظر قرار بگیرد. حق حیات، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های خرسندی و خجستگی شهروندان در حوزه عمومی است و شایستگی استیفای این حق و بهروزی در استیفای حق حیات، یکی از معیارهای فلاحت فرد در جامعه قلمداد می‌شود. این استیفای حق، محتاج یک سلسله تضمین‌ها و تدارک یکسری اقدامات برای پایش و حمایت و نظارت است. از جمله آنها، مراقبت از حق بر امنیت و صیانت از حق حیات است؛ به این معنا که کشورها در مقام سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تنظیم‌گری، سعی می‌کنند حق حیات را مورد حمایت و صیانت و مراقبت قرار دهند و کیفیت حق حیات را، چه از نظر میزان دوره حیات شهروندان و چه از نظر مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقای کیفیت حیات شهروندان، مدنظر داشته باشند. در کشور ما، اقدامات قابل توجهی برای صیانت و حمایت از حق حیات، هم در طول حیات و هم در عرض حیات مورد توجه قرار گرفته. ولی گاهی مجموعه‌ای از بی‌توجهی‌ها یا ترک فعل‌ها یا فقدان نظارت‌ها و ضمانت‌ها سبب شده که حق حیات در مواقعی دچار آسیب شود. ما به یک بازیابی و بازنگری در زمینه حمایت از حق حیات نیاز داریم؛ چراکه بسیاری از مسائلی که برای کشور ما در حوزه‌های مختلف اتفاق می‌افتد، نشأت گرفته از بی‌توجهی به اهمیت حق حیات برای همه شهروندان است؛ آلودگی‌های زیست‌محیطی، مسائل مرتبط با بحران آب، مساله ریزگردها، تصادفات جاده‌ای، فقدان ایمنی در موضع کار برای شهروندان، همه اینها می‌تواند زمینه‌هایی باشد که حق حیات در کشور ما مورد تکریم و توجه سزاوار قرار نمی‌گیرد. همین موضوع تصادفات جاده‌ای و آلودگی هوا را در نظر بگیرید؛ چقدر به صورت ناروا زمینه وفات یا صدمه به حق حیات شهروندان، یا حتی کیفیت حق حیات شهروندان را دچار چالش می‌کند. ما باید به یک وضعیت پایدار در زمینه صیانت، ضمانت و حمایت از حق حیات برسیم تا چالش‌ها در برابر شهروندان ما در زمینه صیانت از حق حیات به حداقل ممکن برسد. پاسداشت هر حقی شاخص‌هایی برای اجرا و تحقق دارد و توجه به این شاخص‌ها باعث می‌شود ما زمینه مناسبی را برای حمایت از حق‌های شهروندانمان فراهم کنیم. گاهی حتی تامین نظام حقوقی بیمه در مورد حق حیات اعم از بیمه‌های مرتبط با کار، بیمه‌های مرتبط با حمایت از شهروندان در معرض خطر یا کارهای دشوار و زیسان‌آور می‌تواند، زمینه‌ای برای صیانت از حق حیات شود؛ نظام‌های کنترلی، پیمایشی، نظارتی و دیدهبانی همه اینها می‌تواند موثر تلقی شود. نرخ مرگ‌ومیر ناشی از تصادفات یا فقدان ایمنی در کار در کشور ما به گونه‌ای است که چالش حق حیات را یادآوری می‌کند و گواهی می‌دهد که باید ضمانت‌های بازدارنده و اقدامات اثربخش و برنامه‌ریزی‌های قابل توجهی در راستای حمایت شهروندان، مدنظر سیاست‌گذاران عمومی ما در راستای استیفا و احیای حق حیات شهروندان به صورت فراگیر و تبعیض‌ناپذیر فراهم شود.

Mashad Invex®
MASHAD FINEX
Specialized Exhibition of Exchange
Banking, Insurance, Privatization
& Presenting Investment Opportunities

Mashad
Exhibition
Company
www.expo.ir

ufi Member

IFEX

www.expo.ir

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

سازندگی

نمایشگاه بین‌المللی مشهد

۳۱ اردیبهشت الی ۳ خرداد ماه ۱۴۰۴

نمایشگاه تخصصی

بورس، بانک، بیمه، خصوصی سازی
و معرفی فرصت‌های سرمایه گذاری

مشهد اینوکس - فاینکس

دیدگاه: یادداشت سیاسی

دالان آزادی

شرایط جدید،

فرصتی برای بازسازی اعتماد عمومی است



مهدی علی‌آبادی

پژوهشگر و فعال سیاسی

ایران امروز در نقطه‌ای ایستاده که آینده‌اش بیش از هر زمان دیگری به تصمیم‌های اکنونش وابسته است. جامعه‌ای خواهان تغییر اما درگیر با وضعیتی که توان و اراده اصلاح را از دست داده است. در چنین بزنگاهی، دو مسیر پیش‌رو است: ادامه حرکت یا عبور دشوار، اما ممکن، از دالان آزادی. ایران امروز بیش از هر زمان، نشانه‌های ورود به این دالان را دارد: پایین‌ترین نرخ مشارکت سیاسی در ۴ دهه اخیر، مهاجرت گسترده نخبگان، فرسایش اعتماد عمومی و جایگزینی گفت‌وگوی ملی با سکوت، انزوا یا خشم. اعتراضات ۱۴۰۱ حامل پیامی روشن بود: جامعه دیگر پذیرای وضع موجود نیست. در کنار این عوامل، بحران‌های جهانی، فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های زیست‌محیطی نیز دایره تصمیم‌گیری را تنگ‌تر کرده‌اند. تداوم سیاست‌ورزی به شیوه پیشین، نه ممکن است و نه موثر. با این حال، هنوز همه راه‌ها بسته نیست. روزنه‌هایی برای ترمیم پیوند دولت و ملت باقی است؛ و اینجاست که می‌توان سخن گفت.

دالان آزادی مفهومی آرمان‌گرایانه یا خیال‌پردازانه نیست. بر خلاف تصور رایج، این دالان الزاماً به معنای گذار سریع به دموکراسی نیست؛ بلکه به معنای باز شدن تدریجی فضا برای مشارکت عمومی، شفاف‌سازی تصمیم‌گیری‌ها، شنیدن صدای منتقدان و اصلاح تدریجی برخی از ساختارها است. با همه محدودیت‌ها، نشانه‌هایی از آغاز این دالان به چشم می‌خورد: افزایش گفت‌وگوهای عمومی پیرامون اصلاح، شکل‌گیری اجماعی نسبی میان نخبگان بر سر ضرورت تغییر، تلاش‌هایی محتاطانه برای بازسازی اعتماد و چرخش‌هایی نرم در سیاست خارجی. این روندها هنوز شکننده‌اند اما در صورت تقویت، می‌توانند به بستری برای خروج از بحران بدل شوند. در شرایطی که امروز دولت وفاق ملی بر سر کار آمده و مذاکرات با آمریکا در جریان است، فرصتی بی‌سابقه برای بازسازی اعتماد عمومی و اصلاح تدریجی پدید آمده است. همگرایی کم‌سابقه در سطوح تصمیم‌گیری درباره توافق هسته‌ای، اگر به حوزه سیاست داخلی نیز تسری یابد، می‌تواند آغاز فصلی تازه باشد. چنانچه این وفاق سیاسی با ترمیم سرمایه اجتماعی، بازسازی امید عمومی و اصلاح نهادهای ناکارآمد همراه شود، می‌توان آن را نقطه عزیمت دانست. اما این مسیر نیازمند شجاعت، شفافیت و پذیرش واقعیت‌های اجتماعی است.

تحولات بین‌المللی نیز نقشی تعیین‌کننده دارند. احتمال توافق با آمریکا و کاهش تدریجی تحریم‌ها، هرچند هنوز قطعی نیست اما می‌تواند نقطه عطفی در مسیر خروج از بحران باشد. دسترسی به منابع مالی، کاهش فشار معیشتی و افزایش امنیت سرمایه‌گذاری به بازگشت آرامش نسبی به جامعه کمک می‌کند. اما تجربه بهرام نشان داد: توافق خارجی، اگر با اصلاحات داخلی همراه نباشد، دوام نخواهد آورد. اگر از این فرصت صرفاً برای خرید زمان استفاده شود، بی‌اعتمادی تشدید خواهد شد. در مقابل، اگر این توافق به‌مثابه آغاز مسیری برای بازسازی دیده شود، می‌تواند زمینه‌ساز تحولی پایدار باشد.

مسیر موجود، مسیری باریک، لغزنده و پرهزینه است؛ اما تنها گزینه‌ای است که می‌تواند ایران را از بحران انباشته‌شده برهاند. هرگونه تعلل یا بی‌تصمیمی در واقع تصمیمی است برای ماندن در وضعیت فعلی. سوال بنیادین این است: آیا نخبگان سیاسی حاضرند مسئولیت تاریخی امروز را بپذیرند؟ آیا شجاعت عبور از الگوهای فرسوده گذشته وجود دارد؟

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگ

راهبرد گره‌گشا

سیدمحمدخاتمی در دیدار با هیات‌رئیسه انجمن اسلامی معلمان:

تنها از طریق گفت‌وگو می‌توان گره‌های بزرگ کشور را گشود



ببینند، باید همه شهروندان، فارغ از دین و سلیقه در این کشور احساس عزت، آزادی و برخورداری کنند. آموزش‌وپرورش می‌تواند بنیان این آینده باشد.

ایران و تمدن جهانی

رئیس دولت اصلاحات همچنین با نگاهی به جایگاه ایران در تاریخ جهان افزود: ایران یکی از معدود ملت‌هایی است که صاحب تمدن جهانی است؛ هم پیش از اسلام و هم پس از آن با نقش برجسته‌ای که در شکل‌گیری تمدن اسلامی ایفا کرده است. این ملت حتی مهاجمان را در فرهنگ خود هضم کرده است. انقلاب اسلامی نیز میراث همین ملت است و بر ماست که نگذاریم، ایران و اسلام آسیب ببینند. ایران باید به تناسب جایگاه تمدنی، جغرافیایی، اقتصادی و انسانی خود رشد کند. همه ایرانیان، با هر دین و سلیقه‌ای، باید در این کشور احساس عزت، آزادی و برخورداری کنند.

در ابتدای این دیدار، اعضای انجمن اسلامی معلمان با یادآوری هفتمین کنگره خود و نیز یادآوری روزهای دوم و سوم خرداد، از دوران اصلاحات و دستاوردهایی چون برگزاری انتخابات شوراها و طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها با افتخار یاد کردند. آنان تأکید کردند اگر قرار است آن مسیر ادامه یابد باید همان روحیه، همان رویکرد و همان اعتماد به مردم را بازآفرینی کرد. بنابراین می‌توان این‌طور گفت که این دیدار نه صرفاً یادآوری یک مناسبت که بازخوانی جدی بخشی از مسیر جمهوری اسلامی در ۴ دهه گذشته بود؛ تلاشی برای تأملی دوباره بر این پرسش که چگونه می‌توان از دل گفت‌وگو، دانایی و اراده ملی، ایرانی ساخت که هم درخور مردمش باشد و هم در شأن تمدن دیرینه‌اش.

اسلام در سیاست اعمال می‌شود را به حساب اسلام گذاشت. او تصریح کرد: چه بسا دشمنان هم بکوشند، اسلام را عین همان سیاست‌ها معرفی کنند و با بزرگ‌نمایی آن را بگویند. خیر، اسلام واقعی سیاستش هم سیاست انسان‌مدار و عدالت‌محور است. اسلام به سیاست، به زندگی سیاسی و اخلاقی انسان نظر دارد. سیاست‌های بی‌منطق و ضدحقوق انسان و طرفدار خشونت و ترور و... اصلاً سیاست اسلامی نیست و در واقع اسلام هم با این سیاست‌ها مخالف است.

همچنین خاتمی اظهار امیدواری کرد که در آینده نزدیک بتوانیم از سیر تدوین چشم‌انداز و تصویب آن که مورد حمایت جدی رهبری بود و نیز برنامه سوم که تقریباً به همه اهداف خود رسید و برنامه چهارم که متأسفانه نه‌تنها متوقف ماند بلکه خلاف آن عمل شد و نیز محتوای سند چشم‌انداز و اهداف آن که به آن هم نرسیدیم گزارشی تهیه کنیم و ارائه بدهیم. هدف از این گزارش، پیدا کردن مقصر نیست اما این سیر باید آسیب‌شناسی شود که چرا نتوانستیم آن راه روشن را طی کنیم و از این به بعد برای حل مشکلات و تأمین نیازهای ملت و اعتبار و سربلندی کشور چه می‌شود و چه باید کرد. من معتقدم اگر عالمانه و واقع‌بینانه و خیرخواهانه جلو برویم بسیاری از مشکلات چه در عرصه آموزش‌وپرورش و پژوهش چه در زمینه تولید، درآمد سرانه، صنایع و... به‌طور کلی جلب رضایت مردم و تأمین حقوق اساسی آنان قابل حل است.

او در پایان بر نقش کلیدی آموزش‌وپرورش در ساختن ایرانی آزاد، سربلند و توسعه‌یافته تأکید کرد: ایران، سرزمینی که پیش و پس از اسلام در تمدن‌سازی نقش‌آفرین بوده، شایسته جایگاهی درخور شأن خود است. نباید کاری کنیم که اسلام و ایران زیان

استقبال آمریکایی

واکنش‌های داخلی به گفتگوی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی با NBC

واکنش‌های تند داخلی به ششمانی

این موضع‌گیری ششمانی که به نظر می‌رسد بالحنی عمل‌گرایانه‌تر از مواضع پیشین‌اش بیان شده به سرعت دستمایه بحث‌های داغ در فضای مجازی و رسانه‌ای ایران شد. برخی از فعالان سیاسی و کاربران شبکه‌های اجتماعی، این اظهارات را تغییری در موضع ایران دانستند. اما واکنش‌ها، به‌ویژه از سوی برخی چهره‌های سیاسی پیشین، رنگ‌وبوی انتقادی شدید داشت. برای نمونه حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس اسبق کمیسیون امنیت ملی مجلس در واکنش به این مصاحبه نوشت: «این آقای که الان پیشنهاد شبیه به تسلیم او، ترامپ را سر ذوق آورده ۶ سال پیش به اتهام طرح تنش‌زدایی با آمریکا از من شکایت کرد. در این مدت ایرانی‌ها خسران زیادی دیدند. حداقل حق‌شان تشکیل دادگاه برای کسانی است که کاسبی تحریم می‌کردند». حسام‌الدین آشنا، مشاور پیشین حسن روحانی نیز با طعنی تلخ نوشت: «آقای علی ششمخانی، حرف آخر را اول زد». این واکنش کوتاه اما سنگین، کنایه‌ای است به اینکه ششمخانی، سخنی را بر زبان آورده که در سال‌های گذشته بارها از سوی دولت روحانی و مذاکره‌کنندگان مطرح شده بود اما با مقاومت بدنه‌های مختلف حاکمیتی مواجه می‌شد. در سوی دیگر علی‌اصغر نغی‌راد، نماینده مشهد در مجلس، اظهارات ششمخانی را شدیداً مورد حمله قرار داد و نوشت: «جناب ششمخانی! آقایان خاتمی و روحانی شما را خوب می‌شناختند، یکی شما را وزیر دفاع کرد و



هدا احمدی

گروه سیاسی

در گفت‌وگویی بی‌سابقه با شبکه آمریکایی NBC علی ششمخانی، مشاور رهبر انقلاب، اعلام کرد که در صورت لغو فوری تمام تحریم‌ها، ایران آماده توقف غنی‌سازی اورانیوم با غلظت بالا و تبدیل ذخایر خود است. اظهاراتی که نه‌تنها بازتاب گسترده‌ای در سطح بین‌المللی داشت بلکه موجی از واکنش‌های داخلی، انتقادات صریح و حتی اتهام‌زنی‌های سیاسی را در فضای رسانه‌ای کشور به همراه آورد. بازنشر این مصاحبه توسط دونالد ترامپ در شبکه اجتماعی‌اش نیز به این جنجال‌ها دامن زد. اما آنچه این مصاحبه را به یک نقطه عطف رسانه‌ای بدل کرد، نه فقط محتوای آن بلکه واکنش کم‌سابقه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات‌متحده به آن بود. ترامپ این مصاحبه را در شبکه اجتماعی خود «تروث سوشیال» بازنشر کرد. ششمخانی در بخشی از مصاحبه‌اش گفته بود: اگر آمریکا همه تحریم‌ها را فوراً لغو کند، ایران آمادگی کامل برای رسیدن به یک توافق فوری را دارد. وی همچنین افزود که ایران هیچ‌گاه از حق غنی‌سازی اورانیوم تحت هیچ شرایطی صرف‌نظر نخواهد کرد اما آماده است در صورت لغو تحریم‌ها سطح فعالیت‌های هسته‌ای خود را مورد تجدیدنظر قرار دهد.



دیگری دبیر شورای امنیت ملی. شهید رئیسی نیز شما را شناخت و از دبیری شورای عالی امنیت کنار گذاشت. حالا اظهارات شما مورد استقبال ترامپ قرار گرفته. شما چه سمتی دارید که از طرف ایران سخنی می‌گویید؟» تحلیلگران بین‌المللی نیز به شدت به این اظهارات واکنش نشان دادند. برخی معتقدند این سخنان می‌تواند در صورت جدی گرفته شدن از سوی واشنگتن، زمینه‌ساز بازگشت به میز مذاکره باشد. به ویژه در شرایطی که دولت فعلی آمریکا نیز از روند مذاکرات فرسایشی خسته به نظر می‌رسد و به دنبال راه‌حلی سریع برای مهار بحران‌های خاورمیانه است.

اما در نهایت، آنچه این گفت‌وگو را عجیب‌تر از همیشه جلوه می‌دهد نه فقط سخنان ششمخانی یا واکنش ترامپ بلکه شکاف عمیقی است که بار دیگر در میان نخبگان سیاسی ایران عیان شد. شکافی که گاه نه بر سر راه‌حل بلکه بر سر اصل گفت‌وگو و مشروعیت مذاکره شکل می‌گیرد.

پیام صلح تهران

پزشکیان با اشاره به اینکه آن پیام با انشای محمدجواد ظریف تنظیم و از سوی وی منتشر شد تا به دنیا اعلام کنیم که ما به سوی همه دست دوستی و رفاق و وفاق دراز کرده‌ایم، اظهار داشت: متأسفانه کشورهای زورگو به دنبال القای ذهنیتی از ایران در منطقه و جهان هستند که تأمین‌کننده منافع آنهاست. آنها به دنبال این هستند تا بین ما و کشورهای منطقه اختلاف و دعوا ایجاد کنند.

رئیس‌جمهور درباره سخنان اخیر دونالد ترامپ در سفر به سه کشور عربی حاشیه خلیج‌فارس تصریح کرد: اینکه رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه بیاید و ایران را عامل خطر معرفی کند، در راستای همین سیاست است، والا آیا ما خانه‌های مردم بی‌دفاع را بمباران می‌کنیم ما دانشمندان و علمای دیگر کشورها را ترور کرده و مردم عادی را زیر خروارها خاک مدفون می‌کنیم؟! آیا ما مدعی هستیم که سلاح‌های قدرتمند داریم که قادر به نابودی زمین هستند؟ به گزارش ایسنا، وی در بخشی از سخنان خود اعلام کرد: می‌گویند ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. رهبر عزیز انقلاب فرمودند از نظر اسلامی نمی‌توانیم سلاح هسته‌ای داشته باشیم. خیلی‌ها در ایران علاقه داشتند ایران به آن طرف برود ولی رهبر انقلاب فرمودند؛ به لحاظ شرعی چنین حقی نداریم و هیچ فردی نمی‌تواند در ایران چنین اقدامی انجام دهد زیرا مخالف باور و اعتقاد دینی ماست. باور دینی ما این است که چنین ابزاری هستی و زندگی را نابود می‌کند و وحشیانه‌ترین کاری است که می‌توان با کره زمین انجام داد. ما قصد تولید سلاح و بمب هسته‌ای نداریم ولی آنها به کشورهای منطقه می‌گویند، ایران درحال ساخت هسته‌ای است. ما قرار نیست سلاح هسته‌ای تولید کنیم چون این فتوای رهبر انقلاب است. ترامپ گفته ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد، می‌توانند بیایند و بر این امر نظارت داشته باشند زیرا قرار نیست ما سلاح هسته‌ای تولید کنیم. در چارچوب فتوای رهبر انقلاب من حق ساختن سلاح هسته‌ای ندارم.

وی افزود: من به عنوان یک انسان هیچ زوری نمی‌پذیرم. هیچ آزاده‌ای زیر بار زور نمی‌رود. ما دنبال صلح هستیم ولی از حق خود گذر نمی‌کنیم. آمریکا در منطقه تهدید به راه انداختن جنگ می‌کند و می‌گوید، سلاح‌هایی داریم که در ذهن هم نمی‌گنجد. این جنگ بی‌پایانی است که آمریکا به راه انداخته است. مدعی صلح‌طلبی است اما زمینه ایجاد جنگ را فراهم کرده است که نمی‌تواند به سادگی از آن خارج شود. هدف او از ایجاد جنگ غارت منابع این منطقه است.

عراقچی: به دیپلماسی پایبندیم

سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه کشورمان هم در سخنرانی خود در مجمع گفت‌وگوی تهران با تأکید بر اینکه ما خواهان توافقی عادلانه و متوازن هستیم، گفت: توافقی که در چارچوب معاهده NPT با احترام کامل به حقوق هسته‌ای ایران شکل گرفته و به طور عینی رفع جامع تحریم‌ها را تضمین نماید. جمهوری اسلامی ایران به دیپلماسی پایبند است و انتظار دارد تحریم‌های ظالمانه و یکجانبه‌ای که مستقیماً مردم ما را هدف قرار داده‌اند به‌طور واقعی و ملموس لغو شوند. ما معتقدیم چنین توافقی می‌تواند منافع طرفین را تأمین و به تحکیم صلح، امنیت و ثبات در منطقه کمک کند.

عراقچی خاطر نشان کرد: در همین راستا، ایران آمادگی دارد در صورت مشاهده اراده واقعی و رویکردی مستقل از سوی طرف‌های اروپایی نیز فصل تازه‌ای در روابط خود با اروپا آغاز کند. متأسفانه در سال‌های گذشته، تمرکز بر اختلافات به جای نقاط مشترک، امکان بهره‌برداری از فرصت‌های همکاری را محدود کرده است. با این حال اگر اروپا نیز اراده لازم برای اصلاح این روند را داشته باشد، ایران مانعی برای بازسازی اعتماد متقابل و گسترش روابط نمی‌بیند. اروپا می‌تواند با اتخاذ رویکردی مسئولانه و سازنده، نقشی مؤثر در فرآیند توسعه و ثبات منطقه ایفا کند. رئیس دستگاه دیپلماسی افزود: بحران غزه بار دیگر ثابت کرد که علاوه بر ناتوانی ارکان نظام بین‌الملل، سرنوشت منطقه نمی‌تواند و نباید در گرو تصمیمات و اراده نیروهای فرامنطقه‌ای باقی بماند. آنچه امروز به عنوان واقعیت منطقه توسط آنها معرفی می‌شود، در اصل بازتاب روایت‌ها و برداشت‌های عمیقاً برساخته، آن هم صرفاً بر اساس منافع آنهاست که ضروری است از درون خود منطقه بازتعریف و اصلاح شوند.



بارزانی: اقلیم کردستان برای ایران تهدید نیست

همچنین نجیروان بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق هم در سخنرانی خود در این مجمع گفت: شاهد آن هستیم که در حوزه امنیتی نیز درحال پیشرفت هستیم. اقلیم کردستان عراق هرگز تهدیدی علیه ایران نخواهد بود و مکانیسمی را بین تهران، اربیل و بغداد تعریف کردیم که اجازه نخواهیم داد، اقلیم کردستان عراق یک خطر برای همسایگانمان به خصوص ایران محسوب شود.

حاجی‌اف: روابط تهران - باکو وارد مرحله جدید شده است

حکمت حاجی‌اف، دستیار رئیس‌جمهور آذربایجان هم در سخنان خود در مجمع گفت‌وگوی تهران اظهار کرد: پس از سفر بسیار موفقیت‌آمیز رئیس‌جمهور پزشکیان به آذربایجان، روابط تهران و باکو وارد مرحله تازه‌ای شده است. وی گفت که درحال همکاری روی چندین پروژه مثبت و سازنده با ایران هستیم و با بینش راهبردی به روابط خردمان با ایران نگاه می‌کنیم. با توجه به سیاست همسایگی ایران و رئیس‌جمهور پزشکیان، روابط دو کشور به مراحل تازه خواهد رسید.

امیرخان متقی: رساندن آب وظیفه شرعی ماست

امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه افغانستان هم که یکی از میهمانان مجمع گفت‌وگوی تهران بود با اشاره به حقایع ایران گفت: از وضعیت خشکسالی در سیستان و بلوچستان ناراحت هستیم و متأسفانه ما این وضعیت را در ولایات نیمروز و هلمند نیز شاهد هستیم. این وظیفه شرعی ما به عنوان یک مسلمان است تا به مسلمانانی که از تشنگی رنج می‌برد، کمک کنیم و مردم ایران شکی نداشته باشند که ما نیت پدی نداریم و وظیفه شرعی خود ما می‌دانیم که به مردم تشنه آب برسانیم.

در حاشیه

همچنین در حاشیه مجمع گفت‌وگوی تهران نشست سه‌جانبه سیدعباس عراقچی، بدر البوسعیدی و محمد بن عبدالرحمن آل ثانی وزیران خارجه ایران، عمان و قطر برگزار شد.

به موازات این دیدار، برخی از مهمانان شرکت‌کننده در این اجلاس از جمله مه‌الدین سراج‌الدین وزیر خارجه تاجیکستان، بدرالدین البوسعیدی وزیر خارجه عمان، امیرخان متقی سرپرست وزارت خارجه حکومت افغانستان، نجیروان بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق و محمدبن عبدالرحمن آل ثانی وزیر خارجه قطر با مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان دیدار و گفت‌وگو کردند.

مجمع گفت‌وگوی تهران به مدت دو روز (یک‌شنبه و دوشنبه) با ۴۰ پنل تخصصی، پخش زنده جلسات و پوشش ۵۰ رسانه خارجی برگزار می‌شود و نقش ایران را به عنوان کنشگری مسئول و پیشرو در دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی برجسته کرده و فضایی برای اجماع و تبیین نظم نوین منطقه‌ای ایجاد می‌کند. آرم‌ن گریگوریان دبیر شورای عالی امنیت ملی ارمنستان، عادل عبدالمه‌دی نخست‌وزیر پیشین عراق و سراج‌الدین مه‌رال‌دین وزیر خارجه تاجیکستان ازجمله مقامات حاضر در روز نخست این رویداد منطقه‌ای بودند. در این رویداد «محمدجواد ظریف»، «یحیی رحیم‌صفوی»، «محمدجواد لاریجانی»، «مه‌دی سنایی» و تعدادی از نمایندگان مجلس و مدیران و مقامات ارشد وزارت خارجه حضور دارند.

دلجویی از نتانیا‌هو

چرا معاون رئیس‌جمهور آمریکا پس از سفر ترامپ به منطقه به اسرائیل می‌رود؟

سفر سه روزه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده به سه کشور عربستان سعودی، قطر و امارات که با عقد قراردادهای چندین میلیارددلاری به پایان رسید از سوی بسیاری از تحلیلگران نوعی از بی‌اعتنایی به اسرائیل را نشان داد؛ چراکه بسیاری از ناظران بین‌المللی و مقامات اسرائیل بر این عقیده بودند که او با ورود به خاورمیانه حتماً به دیدار بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل خواهد شتافت اما این اتفاق رخ نداد. در همین راستا، رسانه‌های آمریکا اعلام کردند که جی.دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا قرار است بعد از حضور در مراسم انتصاب پاپ جدید در واتیکان که یک‌شنبه برگزار شد به اسرائیل سفر کند و این نخستین سفر ونس به خاورمیانه از زمان انتصاب وی در این سمت است. این درحالی است که منابع خبری اعلام کرده‌اند، تل‌آویو و واشنگتن مذاکرات پیشرفته‌ای را پیش از سفر معاون رئیس‌جمهور آمریکا برگزار می‌کنند. همچنین در این راستا، مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا (شنبه) بعد از آغاز حملات گسترده ارتش اسرائیل علیه غزه تماس تلفنی را با بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل برقرار کرد و نکته مهم این است که این دومین تماس روبریو با نتانیا‌هو ظرف سه روز گذشته است. روبریو و نتانیا‌هو درباره وضعیت غزه و تلاش‌های مشترک برای آزادی تمام زندانیان باقی‌مانده صحبت کردند. وزیر خارجه آمریکا همچنین شنبه مجدداً خواهان توقف جنگ غزه‌شدد و در مصاحبه‌ای با شبکه سی.بی.اس اعلام کرد که ما از پایان نزاع و آتش‌بس حمایت می‌کنیم و نمی‌خواهیم مردم اینگونه رنج بکشند.



بازگشت خدمت اجباری به آلمان؟

روزنامه دی‌ولت به نقل از منابعی گزارش داده، ناتو از آلمان خواسته است که نیروهای نظامی خود را به‌طور قابل توجهی گسترش دهد اما این در حالی است که بحران سرباز در آلمان به چالشی تبدیل شده است. مقامات در برلین معتقدند که این کشور به دلیل نرخ بالای ترک خدمت برای رسیدن به اهداف پیشنهادی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با مشکل مواجه خواهد شد. با نزدیک شدن نشست ناتو در ماه ژوئیه در لاهه انتظار می‌رود، موضوع افزایش هزینه‌های دفاعی کشورهای عضو تا ۵ درصد تولید ناخالص داخلی (هدفی که گفته می‌شود آمریکا بر آن پافشاری می‌کند) و افزایش شمار نیروهای نظامی محور اصلی مذاکرات باشد. در این میان آلمان به نوبه خود با «چالش‌های خاصی» روبه‌روست از جمله طرحی برای افزایش تعداد نیروهای ارتش به ۲۴۰ هزار تا ۲۶۰ هزار نفر تا سال ۲۰۳۰ یعنی افزایشی تا حدود ۸۰ هزار نفر نسبت به شمار فعلی که حدود ۱۸۳ هزار نفر است. براساس گزارش این روزنامه آلمانی، تلاش برای افزایش شمار نیروهای ارتش با مشکل نرخ بالای ترک خدمت میان سربازان تازه‌وارد روبه‌روست به طوری که تا ۳۰ درصد آنان در ۶ ماه نخست خدمت خود را ترک می‌کنند. عوامل دیگری که به ترک خدمت دامن می‌زنند شامل آموزش‌های سخت، اعزام به مناطق دورافتاده و چشم‌انداز محدود شغلی است زیرا بسیاری از داوطلبان خدمت نظامی، بخش خصوصی را گزینه‌ای بسیار جذاب‌تر می‌دانند. علاوه بر این برخی شاخه‌های نظامی از پذیرش سربازانی که در واحدهای دیگر آموزش دیده‌اند، خودداری می‌کنند.

وبترین: تازه‌های کتاب

میراثی نامیرا از آنارشی

جان تایتل در **لیوینگ تیاتر** سیر تحول فکری و اجرایی این گروه و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن را بررسی می کند



کتاب «لیوینگ تیاتر» نوشتهٔ جان تایتل، روایتی پرمایه و چندلایه از یکی از رادیکال‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های تئاتری قرن بیستم یعنی «لیوینگ تاتر» است. نشر نیماژ به‌تازگی این کتاب را با ترجمهٔ صحرا رمضانیان در مجموعهٔ «نظریه و تئاتر» خود منتشر کرده است.

گروه پیش‌گام «لیوینگ تاتر» که سال ۱۹۴۷ توسط جودیت مالینا و جولیان بک در نیویورک پایه‌گذاری شد، مرز میان هنر و زندگی را شکست، تئاتر را از چارچوب‌های سنتی بیرون کشید و آن را به ابزاری انقلابی برای تغییر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بدل کرد. تایتل با تئری زنده و پژوهشی گسترده از طریق آرشیهوای اختصاصی، خاطرات شخصی و گفت‌وگو با اعضای کلیدی، تاریخچهٔ این گروه را با دقتی تحسین‌برانگیز به تصویر می‌کشد. جولیان بک و جودیت مالینا، دو جوان بلندپرواز تئاتری بودند که در نیویورک پس از جنگ جهانی دوم، روای تئاتری را در سر می‌پروراندند که اصول اخلاقی مرسوم و آن‌چه در اذهان مردم به‌عنوان فضیلت شناخته می‌شد را به چالش بکشند و با پرهم زدن قراردادهای پذیرفته شده، جهان را دچار تغییر کنند. آن دو تحت‌تأثیر بسیاری از هنرمندان و متفکران هم‌عصر خود بودند: نویسندگانی چون تئسی ویلیامز، آنانیس نین، جک کرواک و ژان ژنه؛ آهنگ‌سازانی چون جان کئیک، جیم موریسون و جان لئون؛ نقاشانی چون جکسون پولاک و سالوادور دالی؛ و متفکرانی چون مارتین بوبر و میشل فوکو. در این کتاب، خواننده نه تنها با زندگی هنری و شخصی جولیان بک و جودیت مالینا آشنا می‌شود بلکه با سیر تحول فکری و اجرایی لیوینگ تئاتر از نخستین آثار تجربی در دهه ۱۹۵۰ تا نمایش‌های انفجاری و جنجال‌برانگیز نیز همراه می‌شود. تئاتری که اغلب با سانسور و سرکوب روبه‌رو بود اما هر بار با نیرویی تازه از دل مقاومت سر برآورد. نمایش‌هایی که در آن‌ها بدن، فریاد، مشارکت تماشاگران و شکستن تمام مرزهای صحنه‌ای، هم ابزار بیان هنری بود و هم شکل اعتراضی. جان تایتل در بخش پایانی پیش‌گفتار دربارهٔ زلزله‌ای که گروه «لیوینگ تئاتر» به پا کرد، می‌نویسد: «اگرچه لیوینگ تیاتر بذر اولیهٔ یک جنبش بود و در پیشنهاد ایده‌های تئاتری نو، پیش‌دستی کرد اما به چشم محافظه‌کاران و کسانی که هنوز پایبند نظام‌های سنتی تئاتر بودند چون تهدیدی خانمان برانداز محسوب می‌شد. هم‌چون آنتاگونیستی که جهان درام را برهم می‌زند. پیام‌آورانی از بی‌قراری و نابه‌هنجاری هیپی‌وار که تحت سازوکارهای تمدن و زندگی مدرن قرار نمی‌گرفتند. شاید بتوان گفت آن‌ها قدیسان فداکار یک جنبش ضدفرهنگی بودند. قدیسانی دست‌نیافتنی که خود را تنها در مناسک رستگاری‌ای ویرانگر و شورشی نمایان می‌کردند. قربانیانی که از جهان آرمانی خود رانده شده بودند. تاریخچهٔ لیوینگ تیاتر با آن همه رنج و سختی، خودش به تنهایی ترسیم‌کنندهٔ رؤیای دروغین آمریکایی است. رؤیای محال آزادی که هرگز به تمامی اتفاق نمی‌افتد و تا همیشه مورد ارزیابی و مناقشه قرار خواهد گرفت. ما بیشتر از آن‌که بتوانیم از آزادی لذت ببریم، درگیر چیدمان سازوکارهای رسیدن به آن خواهیم ماند.»

تایتل به دقت به وجوه مختلف این گروه می‌پردازد: زندگی اشتراکی و ساختار کمونی، فلسفهٔ آناشیمیستی / پاسیفیستی، روابط پیچیده میان اعضا و سفرهای تبعیدی آن‌ها در اروپا و آمریکای

لاتین. در دل این روایت، چهره‌هایی از جهان هنر و ادبیات نیز حاضرند: تئسی ویلیامز، فرانک اوهارا، آلن گینزبرگ، آنانیس نین و حتی جکسون پولاک. تأثیر لیوینگ تاتر بر جنبش‌های ضدفرهنگی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ هم‌چنین بر شکل‌گیری تئاتر مدرن، نقطهٔ عطفی است که در سراسر کتاب به آن پرداخته می‌شود. «لیوینگ تئاتر» دارای پنج فصل اصلی است که عبارتند از: «رویش»، «تجربیات زیسته»، «دستاوردها»، «تبعید» و «یاغیان بهشت». «لیوینگ تیاتر» فقط تاریخ یک گروه نیست؛ بازتاب عصری پر تلاطم است که در آن هنر دیگر تنها وسیله‌ای برای سرگرمی نبود بلکه اسلحه‌ای بود برای آزادی. این کتاب برای هر کسی که به تئاتر تجربی، هنر سیاسی یا تاریخ فرهنگ معاصر علاقه‌مند باشد، تجربه‌ای عمیق و الهام‌بخش خواهد بود. جولیان بک ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۵ بر اثر سرطان درگذشت و جودیت مالینا در سال ۱۹۸۶ عدۀ زیادی از اعضای سابق گروه را دور هم جمع کرد تا آثار گذشته را بازتولید کنند و این گروه تا سال ۱۹۹۴ به اجراهای خود ادامه داد. اجرایی که جان تایتل آآرشی را جوهره تمام آن‌ها می‌داند و می‌نویسد: «این موضوع بیان‌گر تعهد و رویایی بود که بیش از ۴۵ سال به این گروه الهام بخشید و آن‌ها را کنار هم نگه داشت تا میراثی نامیرا باقی بگذارند.» چیزی که باعث اهمیت این کتاب می‌شود، پرداختن نویسنده به شکل‌گیری حلقهٔ هنر آوانگارد نیویورک دههٔ ۱۹۵۰ به بهانهٔ روایت زیست و فرآیند فکری و هنری یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های تاتر آن دوران یعنی «لیوینگ تئاتر» است. نویسنده هم‌زیستی، تعامل و ابداعات هنرمندانی که پس از جنگ جهانی دوم در نقطهٔ صفر و در یک گسست فکری بنیادین به سر می‌بردند را توصیف می‌کند و از خلال روایت زندگی و مواجههٔ شخصی آن‌ها با اتفاقات سیاسی و اجتماعی زمانه وارد جزئیات هنر و زیست سیاسی و ساخت عمومی‌شان می‌شود که بی‌شباهت به وضعیت امروز نیست. در زمانه‌ای که تئاتر بردوی در راستای سرگرم کردن مردمی آسیب‌دیده و عادی‌سازی جنگ و آزمایش‌های هسته‌ای قدرت می‌گرفت و هر چه پرزرق و برق‌تر می‌شد، عده‌ای چون لیوینگ تئاتر به دنبال آلترناتیوهای دیگری رفتند و به نمایش در سیرک بردوی نه گفتند، آن‌ها در آپارتمان‌ها و پارکینگ‌ها، تئاتر اجرا کردند و حتی کار را به خیابان کشاندند. زیست و کار آن‌ها بهتر از هر هنرمندی در تاریخ این را اثبات کرد که هنر در زندگی روزمرهٔ هنرمند جاری است.



لیوینگ تیاتر

هنر، خشم و تبعید

جان تایتل

ترجمهٔ صحرا رمضانیان

نشر نیماژ

۵۲۰ صفحه

۶۸۰ هزار تومان

قصه‌گوی فقر فرودستان

ابراهیم رهبر نویسنده منزوی و مهجور درگذشت

می‌توان بازشناسایی کرد. از این رو او نیز چون بسیاری از داستان‌نویسان هم‌دوره خویش نه فقط داستان‌نویس که تاریخ‌نگار مردم بوده است و آثارش بهترین منابع برای شناخت این بخش مغفول مانده از گستره تاریخ‌اند. رهبر در سال ۱۳۵۲ به سبب فعالیت‌های سیاسی و در ارتباط با اندیشه‌های چپ، دستگیر و زندانی شد و پس از زندان، درخواست استخدام در وزارت فرهنگ و هنرش نیز با رد صلاحیت مواجه شد. از آن پس به انزوا و عزلتی خودخواسته روی آورد و از حضور در مجامع ادبی و فرهنگی امتناع ورزید. در آپارتمانی در تهران روزگار می‌گذراند و قبل از کهولت سن اکثر روزها در کتاب‌خانهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی به مطالعه مشغول بود.

نویسنده در مه

نسیم خلیلی، پژوهش‌گر و منتقد ادبی که در سال‌های اخیر، بخشی از مطالعات و فعالیت پژوهشی خود را حول محور بازشناسی آثار چند نویسنده پیش‌کسوت- امین فقیری، منصور باقوتی، پرویز دوائی و علی‌اشرف درویشیان- پیش برده، شناخت‌نامه‌ای هم دربارهٔ ابراهیم رهبر منتشر کرده با عنوان «در مه نشسته بود». او که مهم‌ترین درونمایهٔ روایت‌های رهبر را فقر و تنگدستی می‌داند، کتابش را در دو فصل کلی نوشته است؛ فصل اول ناظر است بر وجه اجتماعی و تاریخمند قصه‌های ابراهیم رهبر تحت عنوان «قصه‌گوی تاریخ و روستا؛ فقر و فرودستان» که در آن به وجوه غالب در داستان‌های ابراهیم رهبر با نگاهی تحلیلی و تاریخ‌گرا پرداخته؛ بیماری، فقر، روحیه طغیان‌گری، حیات کارگری‌پیشگی، فرسایش مهاجرت و بحران زندگی شهرنشینی و کرختی حیات کارمندی، بسترهای تاریخمند زندگی انسان، خرافات و اندیشه‌های نجات‌جویانه و روانشناسی اجتماعی از جمله مباحثی است که با ارجاعات مکرر به متن روایت‌های ابراهیم رهبر در این فصل با رویکردی معطوف به تاریخ و زندگی مردم و عمدتاً فرودستان که نقش‌آفرینان اصلی قصه‌های رهبرند، بازنمایی و بازتوصیف شده‌اند. فصل دوم اما بیشتر ماهیت طبیعت‌گرایانه و ناآوارلیستی روایت‌های ابراهیم رهبر را مورد توجه قرار داده است تحت عنوان «رهبر نویسنده‌ی تماشاگر؛ راوی باران و برنج، توت‌زار و

ابراهیم رهبر، از جمله چهره‌های ادبیات داستانی خلاق و اجتماعی‌نویس تاریخ معاصر ایران، که به‌ویژه در ساخت ادبیات بومی و در گسترهٔ جغرافیا و زیست‌بوم گیلان از پیشتازان دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ و راوی روایت‌هایی از زندگی، رنج‌ها و شادی‌های مردم گیلان بود، در ۸۷ سالگی درگذشت. ابراهیم رهبر در کنار دیگر نویسندگان بومی‌نویس گیلانی چون محمود طیار، مجید دانش‌آراسته، حسن حسام و... داستان زندگی و کار کارگران و کشاورزان خرد را روایت می‌کردند.

آثار ابراهیم رهبر از این ویژگی مهم برخوردار بود که در دل این روایت‌های مستند و ساده از روزمرگی‌های مردم روستانشین به درونیات انسان در مواجهه با مصایب زیستن می‌پرداخت، به تعامل انسان با مولفه‌هایی چون فقر، بیماری، مرگ، بی‌رحمی و بخشندگی طبیعت، آینده، امید و نویدی، مبارزه و انفعال.

ابراهیم رهبر متولد ۱۳۱۷ در صومعه‌سرا، دانش‌آموختهٔ رشته زمین‌شناسی (۱۳۴۴) و بازنشسته وزارت کشاورزی (۱۳۵۹) بود و به کشورهای مختلفی از جمله آلمان مسافرت کرده بود. او پس از اخذ دیپلم برای ادامهٔ تحصیل در رشته زمین‌شناسی راهی دانشگاه تهران شد. هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه به معلمی پرداخت و در دههٔ ۴۰ نخستین داستان‌هایش در مجلاتی نظیر «آرش»، «نگین»، «طرفه»، «سخن» و «هنر و اندیشه» منتشر شد. در همین ایام نخستین کتاب ابراهیم رهبر با نام «مهربانان و سه نمایش‌نامهٔ دیگر» منتشر شد. همان‌طور که ابتدا اشاره شد، رهبر در داستان‌هایش به مسأله فقر و نابرابری‌های اجتماعی، تاریخ معاصر، فرهنگ عامه و کودکان فرودست، کارگری‌پیشه و روستایی توجه ویژه داشت.

هم‌زمان با تشکیل کانون نویسندگان ایران، ابراهیم رهبر به عضویت آن درآمد ودر سال ۱۳۴۹ فعالیت خود را با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد. رهبر با این‌که از اعضای اولیه کانون نویسندگان بود اما از پس سال‌ها چون قهرمانان قصه‌هایش بیش از هر چیز، اندیشیدن و در خود فرورفتن را برگزید و کم‌کار بود اما از میان همین آثار بر جای مانده از او، وجوه فراوانی از حیات و تاریخ اجتماعی مردم ایران را

گزارش: سیمای جهان

هم تقدیر هم تبرئه

جشنواره کن با نمایش فیلم‌های مهم به نیمه رسید

کوبین اسپیسبی، بازیگر دو بار برنده اسکار، پس از نزدیک به یک دهه غیبت برای دریافت جایزه یک عمر دستاورد هنری به جشنواره فیلم کن بازمی‌گردد.

این بازیگر که آخرین حضورش در کن به سال ۲۰۱۶ و اجرای یک مراسم خیریه بازمی‌گردد، این بار در شرایطی متفاوت به این جشنواره بازمی‌گردد؛ در سال‌هایی که هم دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری رسید و هم دوران حرفه‌ای اسپیسبی به دلیل اتهام‌های سوء رفتار جنسی دچار سقوطی جدی شد. اما اکنون پس از تبرئه شدن در پرونده‌های حقوقی و کيفری در آمریکا و بریتانیا، اسپیسبی در مسیر بازسازی چهره عمومی خود، قرار است روز سه‌شنبه در مراسمی از سوی بنیاد «جهانی‌بتر» در کن، جایزه ویژه‌ای را دریافت کند. این دومین جایزه‌ای است که او پس از حل‌وفصل پرونده‌اش دریافت می‌کند؛ سال گذشته نیز جایزه‌ای مشابه در ایتالیا به او اعطا شد.

ایسن حضور البته بی‌حاشیه نخواهد بود. منابع نشریه ویرایتی گفته‌اند که ممکن است اسپیسبی حتی روی فرش قرمز کاخ جشنواره ظاهر شود؛ حضوری که به احتمال زیاد واکنش‌های گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت. با این حال به نظر می‌رسد این حضور حساب‌شده و هدف‌دار باشد.

هرچند حضور اسپیسبی در کن احتمالاً موجب جنجال خواهد شد اما تهیه‌کنندگان فیلم مهیج توطئه‌آمیز «بیداری» که او در آن بازی می‌کند و امتیازش در جشنواره به فروش می‌رسد، چیزی جز این نمی‌خواهند. در واقع بازگشت اسپیسبی به کن تنها برای دریافت جایزه نیست؛ او در کنار این رویداد به عنوان بازیگر نقش اصلی فیلم جدیدی با عنوان بیداری (The Awakening) نیز حضور دارد؛ فیلمی که از سوی تهیه‌کنندگان آن در بازار فیلم کن به دنبال جذب خریدار است. این فیلم مستقل بریتانیایی درباره کشف و افشای یک

شبکه جهانی مرموز و پنهانی است که بر دنیا حکومت می‌کند و اسپیسبی نقش رهبر این شبکه را ایفا می‌کند.

«بیداری» نخستین فیلمی است که اسپیسبی پس از تبرئه در دادگاه سال ۲۰۲۳ بریتانیا جلوی دوربین آن رفته است. مت هوکینگز، تهیه‌کننده این فیلم در گفت‌وگو با ویرایتی گفته است: «ما نقش را به او تحمیل نکردیم. او کاملاً با شخصیت فیلم هماهنگ





دیدگاه: یادداشت روز

اقتباس، آوازه، خشم

درباره جنجال نشست امضای سووشون



مهرداد دانش

منتقد

یکی از موارد جنجال‌برانگیز در دو-سه روز مانده به پایان نمایشگاه کتاب تهران، نشست مربوط به جشن امضای کتاب سووشون شادروان سیمین دانشور با حضور نرگس آبیبار (کارگردان سریال اقتباسی سووشون) و بهنوش طباطبایی (بازیگر این سریال) در غرفه انتشارات خوارزمی بود. این رویداد، با انتقادات گسترده‌ای مواجه شد که عمدتاً به توقع عمومی برای امضای کتاب توسط نویسنده اصلی آن برمی‌گشت؛ به ویژه آنکه ابتدا پوستر می‌طراحی و تبلیغ شده بود که در آن عبارت «جشن امضای کتاب سووشون» به کار رفته بود که البته بعداً جمع و حذف شد و ماجرا در حد امضای کارت‌پستال‌هایی با درج تصاویر سریال و نام کتاب مطرح شد. از نظر منتقدان، حضور آبیبار و طباطبایی به جای نویسنده اصلی، برای امضای حتی کارت‌پستال‌های مرتبط با سریال یا حتی خود کتاب، نوعی «ابتذال فرهنگی» و توهین به جایگاه ادبی رمان سووشون تلقی می‌شد. به اعتقاد آنان، به‌ویژه با توجه به طراحی‌هایی از شمایل کتاب با تصاویر بازیگران سریال، تجاری‌سازی بیش از حدی روی اثر سترگ ادبی دانشور انجام شده بود و به تنزل شأن آن انجامیده بود. برخی نیز این رویداد را به اسپانسر ی پلتفرم نماوا (پخش‌کننده سریال) و مدیریت کنونی انتشارات خوارزمی مرتبط دانستند و آن را نشانه‌ای از سوء استفاده از نام سیمین دانشور برای تبلیغات سریال انگاشتند.

اما آیا این روند تا این حد شایسته شماتت بود؟ جدا از اشتباهی که در طراحی پوستر نشست و آن عبارت کذایی ارتکاب شده بود، به نظر نمی‌رسد چنین تبلیغاتی در فضای مربوط به آثار اقتباسی فی‌نفسه نادرست باشد. در کشورهای دیگر هم که فیلم‌ها یا سریال‌هایی از کتاب‌های معتبر و نامی اقتباس می‌شوند، این رویه‌ها جاری است. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۳ با اکران فیلم گنسی بی‌بزرگ به کارگردانی باز لورمن و بازی لئوناردو دی‌کاپریو، نسخه‌های جدیدی از رمان اسکات فیتز‌جرالد با پوستر فیلم و تصاویر بازیگران منتشر شد. همین اتفاق سال ۲۰۰۵ هم برای فیلم غرور و تعصب، ساخته جو رایت که از روی اثر معروف جین استیونز اقتباس شده بود، افتاده بود. در مواردی مانند اقتباس‌های سینمایی از رمان‌های پرفروش مثل هری پاتر یا ارباب حلقه‌ها، بازیگران و عوامل فیلم در رویدادهای تبلیغاتی مانند جشن امضا یا تورهای کتاب شرکت کرده‌اند تا فروش کتاب و فیلم را تقویت کنند. در مورد فیلم رفقای خوب ساخته مارتین اسکورسزی هم مشابه این رویداد انجام گرفت و رابرت دنیرو در رویدادهای تبلیغاتی مرتبط با کتاب منبع «Wise Guy» نوشته نیکولاس یلگی حضور پیدا کرد.

البته مشابه جنجال نشست عوامل سریال سووشون، در سایر کشورها نیز استفاده از تصاویر بازیگران یا



در پایان حاجیگل همین کار را هم می‌کند اما تقی به دنبالش نمی‌رود. در داستان دیگری رخسار خانم دخترش را به تهران نزد عمه‌اش می‌فرستد تا شوهر دهد. دختر را به مردی تریاکی می‌دهند و هر بلا می‌ممکنی سرش می‌آید. او آخر به شمال نزد خانواده‌اش برمی‌گردد و حالا برای خود تصمیم می‌گیرد. او حالا بدجنسی مادر و انفعال پدر و انفعال خودش را می‌شناسد و عزم جزم می‌کند، زندگی خودش را خودش هدایت کند شاید شوهر دومی بکند. «پریشانی» داستان نصیر، سرپازی شهرستانی که روز جمعه‌اش را در تهران می‌گذراند، شب در مسافرخانه‌ای گرم می‌خوابد و در جریان پرسه‌ها و بی‌خوابی شبانه‌اش، زندگی‌اش در روستا را در فلاش‌بک‌هایی مرور می‌کند و در این اثنا حقیقتی هولناک درباره خانواده‌اش بر او روشن می‌شود. «مه کم کم کنار می‌رود از آن میان چیز مهمی به سوی او می‌آید». در دو داستان شخصیت‌هایی داریم که «مبارز» هستند، درد مردم را می‌فهمند و بیان می‌کنند: موسا جان در «پریشانی» و نصرت کفاش در «سوگواران». اما این‌ها قهرمانان قصه‌ها نیستند. در «پریشانی» نصیر نسبت به موسا جان احساس بدی دارد و وقتی موسا جان به او طعنه می‌زند که «تو را هم رخت سرپازی تنّت کردند؟»، کینه او را به دل می‌گیرد و حواسش هست که او هم با همه هارت‌وپورتش نتوانسته کاری پیش ببرد و لباس هایش به تش زار می‌زند و معلوم است از بازار کهنه‌فروش‌ها خریده است. مجموعه داستان‌ها تصویری به دست می‌دهند از بُنیستی که آدم‌های عمدتاً بی‌چیز جامعه با آن دست به گریبان‌اند، امیدی که گاهی در تاریکی می‌درخشد و یاس و غمی که بر فضای بیرونی و ذهن آدم‌ها سایه انداخته است. تصویری متناسب با شرایط نگارش داستان‌ها در نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ شمسی اما نسبت به فضای کلی زمانه‌اش، شخصی‌تر و شاعرانه‌تر.

استقبال از ادای دین به گذار

فیلم جدید ریچارد لینکلتر با عنوان موج نو (Nouvelle Vague) که ادای دینی به سینمای موج نوی فرانسه است، شنبه‌شب در نخستین نمایش جهانی خود در بخش مسابقه اصلی در کاخ جشنواره کن با استقبال پرشور تماشاگران مواجه شد و بیش از ۱۰ دقیقه تشویق ایستاده دریافت کرد.

این فیلم سیاه‌وسفید که به زبان فرانسه ساخته شده و به سبک سینمای گذار طراحی شده از سوی دوستان سینما در کن به ویژه به دلیل پرداختن به فیلم نمادین «از نفس افتاده» مورد تحسین قرار گرفت.

فیلم «موج نو» نخستین تجربه لینکلتر در فیلم‌سازی تمام فرانسوی است. فیلم «از نفس افتاده» ساخته ژان لوک گذار در ۱۹۶۰ نقطه آغاز موج نوی فرانسه و یکی از آثار نمادین تاریخ سینماست. داستان آن درباره میشل، خلافکار خردپایی است که پلیسی را می‌کشد سپس درگیر رابطه‌ای عاشقانه با پاتریشیا، دانشجوی آمریکایی روزنامه‌نگاری می‌شود. فیلم با بهره‌گیری از ژانر نوآر آمریکایی اما با شکستن قواعد تدوین، روایت و فیلمبرداری، استانداردهای تازه‌ای برای سینمای مدرن تعریف کرد. فیلم سینمایی «از نفس افتاده» نه تنها بلموندو و سیبیرگ را به شهرت جهانی رساند بلکه جایگاه گذار را به عنوان چهره‌ای پیشگام در سینمای مدرن تثبیت کرد. ادای احترام لینکلتر به این فیلم از نظر بسیاری از تماشاگران حاضر در کن، بزرگداشت خود سینما بود.

ریچارد لینکلتر پس از پایان نمایش درحالی که چراغ‌های سالن روشن می‌شدند، تنها یک جمله گفت: «سینما، جادوست». اما این جادو پیش از روشن شدن سالن نیز شروع شده بود؛ چراکه تماشاگران پیش از پایان رسمی فیلم به صورت هماهنگ شروع به کف زدن کرده بودند.

فیلم «موج نو» بدون نمایش پیش از اکران برای منتقدان مستقیماً در کن و برای نخستین بار بر پرده بزرگ دیده شد. تصمیمی که لینکلتر به منظور حفظ تجربه نخست تماشای فیلم در فضای جشنواره گرفته بود. خلاصه رسمی فیلم به سادگی می‌گوید: «این داستان ساخت فیلم «از نفس افتاده» به روایت و سبک خود گذار است». کونتین تارانتینو نیز برای حمایت از دوست قدیمی‌اش ریچارد لینکلتر به سالن نمایش آمد. دو کارگردان که در دهه ۱۹۹۰ با موج جدید سینمای مستقل آمریکا شناخته شدند، پیش از شروع نمایش یکدیگر را در آغوش گرفتند؛ صحنه‌ای که با استقبال پرشور حاضران مواجه شد.

گنجشک» که در آن هم معرفت‌شناسی طبیعت‌دوست نویسنده و روحیه مهربان او در تعامل با حیوانات و درختان بازنمایی شده و هم توجه او به بازجست زندگی در قاب سینما، نمایش و تئاتر که در این نشست پیش از هر چیز روحیه نجات‌جویانه و جست‌وجوی جان‌پناه در بستری از رنج و فقر و فرسایش مد نظر بوده است؛ اینکه نویسنده‌ای که محتوای روایت‌های خودش را از متن اندوهگین زندگی پر از فقر و فلاکت مردم انتخاب کرده، چگونه همچنان خالق توصیفاتی بی‌بدیل و ساده و دل‌انگیز از طبیعت و درختان بوده است و گاه قهرمانان قصه‌هایش را از متن اندوه بیرون می‌کشید و به سینما و تئاتر می‌برد تا برای لحظاتی به جادوی تصویر و قصه و نمایش پناه ببرند.

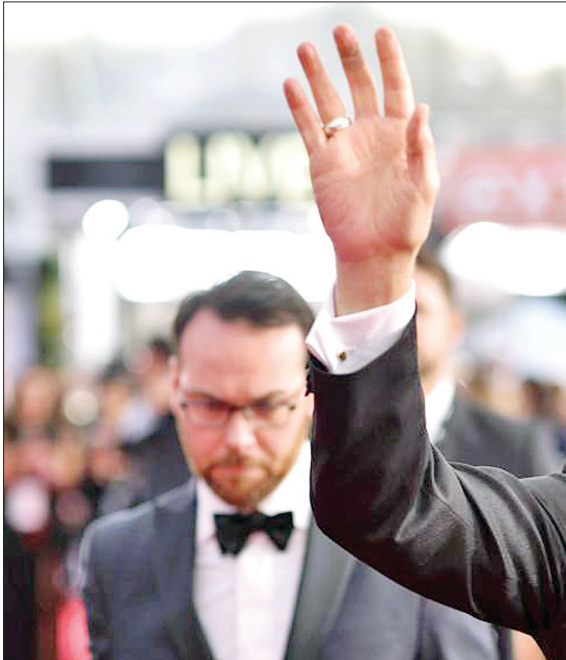
بُن‌بست آدم‌های بی‌چیز

از ابراهیم رهبر آثاری نظیر: «چاپ آخر زندگی»، «در شهری کوچک»، «شاهد رسمی»، «من در تهران»، «نام کسما»، «مهربانان و سه نمایش‌نامه دیگر»، «نونو و چهار نمایش‌نامه دیگر»، «سوگواران»، «دود و آه» منتشر شده است. در ادامه بخش‌هایی از بررسی داستان‌های مجموعه «سوگواران» که روبرت صافاریان در سایت «وینش» منتشر شده، می‌آید. «سوگواران» مجموعه ۷ داستان است. چهار داستان اول داستان‌هایی هستند در مجموع رئالیستی درباره آدم‌هایی که تصمیم می‌گیرند به تداوم زندگی منفعلانه خود تن ندهند. در اولی حاجیگل و تقی دو رفیقی هستند که هر سال در آبادی‌شان قمه می‌زنند و در این کار شهرتی دارند. تقی اما که قدری جوان‌تر است دیگر تمایلی به ادامه این کار ندارد. آن‌چه بند پای اوست، رفاقت است و وفاداری او نسبت به حاجیگل که دوست دارد به قمه زدن و همراهی با جماعت ادامه دهد.

است. شاید شبیه خانه پوشالی نباشد اما در همان مسیر است. حضور اسپیس‌ی از کن بخشی از یک کمپین بازاریابی برای جلب توجه به فیلم است».

هرچند هزینه انتقال و اقامت اسپیس‌ی و تیم کوچک همراهش برای یک کمپانی مستقل قابل توجه بوده اما گرفتن جایزه از سوی بنیاد «جهانی‌بهر» چندان دشوار نبوده است. هوکینگز می‌گوید: «رئیس این بنیاد از طرفداران بزرگ کوین است. فقط به او گفتم، اگر ازش بخواهم بیاید، شما چه کاری می‌توانید برایش بکنید؟ و همه چیز خیلی طبیعی پیش رفت. خیلی‌ها هنوز هم او را دوست دارند. بنابراین عده زیادی خواهند گفت خیلی کار جالبی است و البته عده‌ای هم خواهند گفت، او اینجا چه می‌کند؟ اما امیدوارم آنهایی که می‌پرستند چرا اینجااست، وقتی دلیل حضورش را بفهمند به او یک فرصت دوباره بدهند».

زمانی که اتهامات اخلاقی علیه اسپیس‌ی مطرح شد از نقش اصلی در این سریال محبوب «خانه پوشالی» اخراج شد و بعداً نقش او در فیلم «تمام پول‌های دنیا» نیز از وی گرفته و کریستوفر پلامر جایگزین او شد.



دیدگاه: یادداشت روز

تعصبات رفتاری غیرکارآمد

تفاوت میان سرمایه گذاری احساسی و اصولی چیست؟



نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بعدازظهر یکی از همین روزها رادیو را که روشن کرد، از اخبار شنید روند صعودی بازار سهام در تهران ادامه داشته و رکورد یک میلیون واحد را شکسته است. از سال گذشته بخشی از سرمایه پس اندازش را تبدیل به سکه بهار آزادی کرده و مابقی را به صورت سپرده درازمدت در بانک گذاشته بود. حالا اما با خود فکر می کرد کاش تصمیم دیگری گرفته بود و کل اندوخته اش را در بورس سهام سرمایه گذاری کرده بود. در محیط کار و گفت وگو با دوستانش هم، بحث درباره اینکه پول مان را کجا بگذاریم از هر زمان دیگری داغ تر شده است. این حال و احوال که این روزها بسیاری درگوش هستند، در ادبیات رفتار اجتماعی و سرمایه گذاری تحت عنوان «ترس عقب ماندن» (fear of missing out) شناخته می شود. مدیریت سرمایه گذاری اصولی نیازمند دانش فنی و تجربه گسترده در حوزه های مختلف است که جزئیات آن از حوصله این نوشته خارج است. با این حال در ادامه به ۶ عامل کلیدی که برای تصمیم گیری بهینه در بلندمدت باید مورد توجه سرمایه گذار قرار گیرد، اشاره می شود.

نخستین عامل، پیش بینی جریان نقدینگی در ماه های آینده است. داشتن برآوردی تقریبی از ورود و خروج پول به سرمایه گذار کمک می کند تا گزینه های سرمایه گذاری را متناسب با مازاد یا کسری نقدینگی خود انتخاب کند. این پیش بینی مانع از تصمیم گیری های شتابزده و ناسازگار با وضعیت مالی می شود. دومین عامل، میزان سرمایه موجود و تعدد منابع آن است. برخی حوزه های سرمایه گذاری نیازمند حداقل سرمایه مشخصی هستند. برای مثال، فردی با درآمد دوره ای ممکن است تصمیم بگیرد، مبلغ ثابتی را در دارایی هایی با ریسک و بازدهی متناسب سرمایه گذاری کند، درحالی که سرمایه گذار با منابع محدودتر باید گزینه های محتاطانه تری را برگزیند.

سومین ملاک، برنامه ریزی برای مدت زمان سرمایه گذاری است. آگاهی از افق زمانی سرمایه گذاری تاثیر مستقیمی بر ریسک و بازدهی دارد. به عنوان نمونه سرمایه گذاری در املاک ممکن است در کوتاه مدت تنها به دریافت اجاره محدود شود اما در بلندمدت سود قابل توجهی به همراه داشته باشد. در مقابل، سرمایه گذاری های کوتاه مدت مانند سهام ممکن است نوسانات بیشتری داشته باشند.

چهارمین معیار، نیاز به نقدشوندگی است. معمولاً رابطه ای معکوس بین بازدهی و نقدشوندگی دارایی ها وجود دارد. برای مثال، سهام یک شرکت ممکن است بازدهی بالایی داشته باشد اما در شرایط نزولی بازار، خریداری برای آن یافت نشود، یا نماد معاملاتی اش متوقف شود. در مقابل، سپرده بانکی با بازدهی کمتر، دسترسی سریع به وجه نقد را فراهم می کند. سرمایه گذار باید نیاز خود به نقدینگی را با نوع دارایی هماهنگ کند. پنجمین اصل، داشتن استراتژی مشخص برای ورود و خروج از بازار است. در بازار سهام، تعیین قیمت هدف یا درصد سود و زیان برای فروش می تواند نظم را به فرآیند سرمایه گذاری بیاورد و از تصمیم های احساسی در شرایط پرنوسان جلوگیری کند. همچنین، داشتن اصول از پیش تعیین شده امکان بازبینی و بهبود استراتژی ها را در طول زمان فراهم می آورد. ششمین و آخرین عامل، تنوع بخشی به سبد سرمایه گذاری است که به ویژه در شرایط پرریسک اهمیت بسزایی دارد. در جهانی با ابهامات اقتصادی فراوان و به ویژه در ایران که این عدم قطعیت ها چند برابر است، تمرکز تمام سرمایه در یک دارایی با بازار می تواند مخاطره آمیز باشد. تنوع بخشی ریسک را کاهش داده و احتمال حفظ ارزش سرمایه را در برابر شوک های اقتصادی افزایش می دهد.

این ۶ عامل به عنوان قطب نما می در دریای پرتلاطم اقتصاد جهانی و ایران عمل می کنند. سرمایه گذار با توجه به این اصول و دوری از هیجانات زودگذر، می تواند تصمیم هایی منطقی تر و هم راستا با منافع بلندمدت خود اتخاذ کند. علاوه بر این، آموزش مستمر و به روزرسانی دانش سرمایه گذاری نیز نقش مهمی در موفقیت دارد. مطالعه روندهای بازار، تحلیل داده های اقتصادی و مشاوره با کارشناسان می تواند درک بهتری از فرصت ها و تهدیدها فراهم کند. در نهایت، صبر و انضباط در اجرای استراتژی های سرمایه گذاری، کلید دستیابی به اهداف مالی در بلندمدت است.

هزینه ی رفاه!

رفع ناترازی ها بر گردن چه گروه هایی افتاده است؟

سعید خوش بین

گروه اقتصاد

دولت ها وقتی با سیاست های غلط با دنیا قطع رابطه می کنند یا وقتی منابع را به بدترین شکل ممکن هدر می دهند، به وضعیت مردم توجه نمی کنند اما وقتی دچار مشکل می شوند، از مردم چاره می جویند و از آحاد جامعه می خواهند که برای حل مشکل، رفاه خود را کاهش دهند. به طور مشخص مسعود پزشکیان حل مشکل ناترازی را منوط به خاموش کردن وسایل سرمایشی می داند و از مردم می خواهد که با تحمل گرما به دولت کمک کنند که برق صنایع را قطع نکند. آقای پزشکیان گفته: «قدیم که کولر و پنکه نبود مگر ما در خانه هایمان در ۳۵ درجه مشکلی داشتیم؟ همین یک کار را اگر انجام بدهیم ما در کشور مشکل برق نخواهیم داشت». این سخنان واکنش های زیادی به دنبال داشته که عمدتاً انتقادی بوده است. برخی سخنان آقای پزشکیان را نشانه ناتوانی در مدیریت منابع انرژی خوانده اند و گفته اند، به جای دعوت مردم به بازگشت به گذشته، باید مشکلات زیرساختی حل شود. برخی هم به طعنه گفته اند؛ چیزی به نام پیشرفت علم وجود دارد که زندگی را راحت تر می کند، اگر سیاستمداران منابع کشور را نابود کرده اند، معنایش این نیست که ما مثل دهه ۴۰ و ۵۰ زندگی کنیم. به طور مشخص محمد طیبیان که اقتصاددانی سرشناس است، در کانال خود نوشته: «این شیوه توجه به مشکلات مردم رسم درستی نیست. اگر نمی توانید مساله ای را حل کنید لااقل صادقانه بگویید. بگویید که ما بر روی بزرگترین ذخایر انرژی جهان زندگی می کنیم اما مدیریت اقتصاد و دیپلماسی و چیزهای دیگر را نمی دانیم و بیش از ۴۰ سال آزمودن و خطا کردن هم برای آموختن کافی نبوده است. شایسته تر که با این سخنان، نمک اضافی بر زخم نپاشید». محمود اولاد نیز نوشته: «چیزی هست به نام رفاه که دولت ها به دنبال حداکثر کردن آن برای جوامع خود هستند. وقتی جامعه ای سطحی از رفاه را لمس می کند، آن سطح رفاه را قاعداً دست یافتنی می داند و دیگر سطحی پایین تر از آن را به عنوان حداکثر رفاه قبول نمی کند. نمی توانید از مردمی که سطح رفاه زندگی با کولر را تجربه کردند، بخواهید که به سطح رفاه یک قرن قبل برگردند و آن را به عنوان حداکثر رفاه معرفی کنید».

ایراد کار کجاست؟

سخنان مسعود پزشکیان در مورد درخواست از مردم برای خاموش کردن وسایل سرمایشی به منظور مدیریت ناترازی انرژی چند ایراد اساسی دارد. نخست، این رویکرد

بازار سهام

سیل نقدینگی

آیا رشد این روزهای بورس تهران مقطعی است؟

مهتاب شهریاری

گروه اقتصاد

بورس تهران همچنان با روندی آرام و پیوسته در مسیر صعودی حرکت می کند. شاخص های بورسی پس از اصلاح های مقطعی، با رشد همراه شده و قله های جدیدی را ثبت می کنند. دیروز، شاخص کل بورس با افزایش ۰.۳۴ درصدی به سطح ۳ میلیون و ۲۵۲ هزار واحدی رسید که یک رکورد تاریخی محسوب می شود. در همین حال، شاخص هموزن با رشدی بهتر (۰.۵۱ درصد) به ۹۷۷ هزار واحد رسید و نشان دهنده تحرک قابل توجه در نمادهای کوچک تر بازار بود.

در معاملات دومین روز هفته، تقاضا به ویژه در گروه های کوچک تر افزایش یافت، به طوری که ۶۷ درصد نمادهای بازار در محدوده مثبت بسته شدند. با این حال، ارزش معاملات خرد نسبت به روزهای گذشته کاهش یافت و به ۱۳

بار مسئولیت ناکارآمدی های سیاستی و مدیریتی دولت را بر دوش مردم می اندازد، درحالی که ناترازی انرژی نتیجه سال ها سوءمدیریت، عدم سرمایه گذاری در زیرساخت ها و سیاست های نادرست در حوزه انرژی است. انتظار از مردم برای کاهش رفاه شخصی، بدون ارائه راهکارهای ساختاری از سوی دولت، نوعی فرار از مسئولیت است. دوم، این سخنان به جای تمرکز بر اصلاحات اساسی مانند بهینه سازی تولید و توزیع انرژی، ارتقای فناوری، یا مدیریت مصرف در بخش های دولتی و صنعتی، ساده ترین و کوتاه مدت ترین راه حل را پیشنهاد می کند که فشار را بر قشر آسیب پذیر جامعه افزایش می دهد. سوم، چنین اظهاراتی می تواند اعتماد عمومی به دولت را تضعیف کند، زیرا مردم احساس می کنند به جای حل ریشه ای مشکلات، از آنها خواسته می شود تا هزینه ناکارآمدی ها را بپردازند. در نهایت، این نوع درخواست بدون ارائه برنامه ای جامع برای جبران یا حمایت از مردم، به ویژه در مناطق گرمسیر، غیرواقع بینانه و ناعادلانه به نظر می رسد.

به هر حال حل ناترازی برق در ایران نیازمند همکاری چندجانبه بین گروه های مختلف است، اما فشار اصلی بر دوش دولت، بخش خصوصی و مصرف کنندگان قرار دارد. دولت به عنوان سیاست گذار کلان، مسئولیت اصلاح ساختار یارانه های انرژی، افزایش سرمایه گذاری در زیرساخت ها و توسعه نیروگاه های جدید، به ویژه تجدیدپذیر، را بر عهده دارد. طبق منابع، برای جبران ناترازی تا پایان برنامه هفتم، سالانه حدود ۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز است که بخش عمده آن باید از طریق سیاست های حمایتی دولت و همکاری با

سازمان برنامه و بودجه و صندوق توسعه ملی تامین شود. همچنین، دولت باید با اصلاح قیمت گذاری انرژی و کاهش یارانه های غیرضروری، مصرف بی رویه را کنترل کند، زیرا قیمت پایین برق به مصرف غیربهینه دامن زده است. بخش خصوصی نیز نقش کلیدی دارد، به ویژه در احداث نیروگاه های حرارتی و تجدیدپذیر. براساس برنامه هفتم، نیمی از ۲۱ هزار مگاوات نیروگاه حرارتی مورد نیاز باید توسط صنایع و بخش خصوصی تامین شود. معاون اول رئیس جمهور تاکید کرده که بخش خصوصی باید با سرعت و تعهد وارد عمل شود تا پروژه ها به موقع اجرا شوند. مصرف کنندگان، به ویژه صنایع و خانوارهای پرمصرف، نیز باید با بهینه سازی مصرف و رعایت الگوهای صرفه جویی، مانند استفاده از کنتورهای سه تعرفه ای یا طرح های مدیریت مصرف پلکانی به کاهش تقاضا کمک کنند. داده ها نشان می دهد، مصرف گاز ایران ۳.۵ برابر میانگین جهانی است و فرهنگ مصرف غیربهینه در برق نیز به ناترازی دامن زده است. در نهایت، بدون هماهنگی این سه گروه، حل ناترازی امکان پذیر نیست، اما دولت به دلیل اختیار در سیاست گذاری و تخصیص منابع، بار اصلی را متحمل می شود. حل ناترازی برق در ایران نیازمند همکاری چندجانبه گروه های مختلف است، اما فشار اصلی بر دوش دولت، بخش خصوصی و مصرف کنندگان (خانگی، تجاری و صنعتی) قرار دارد. دولت به عنوان سیاست گذار و متولی زیرساخت ها باید با اصلاح قیمت گذاری انرژی، حذف یارانه های غیرضرور و سرمایه گذاری در نیروگاه های جدید و تجدیدپذیر، زمینه را برای افزایش تولید و بهینه سازی شبکه فراهم کند.

این موضوع باعث تشکیل صف خرید در بسیاری از نمادهای کوچک و متوسط شد. در مقابل، ارزش و حجم معاملات صندوق های مبتنی بر طلا کاهش یافت که می تواند نشانه ای از کاهش انتظارات تورمی در میان سرمایه گذاران باشد. ثبات نسبی نرخ ارز در بازار آزاد، با دلار در محدوده ۸۱ تا ۸۲ هزار و ۳۰۰ تومان به کاهش نااطمینانی در بازار سرمایه کمک کرده است.

مهم ترین خبر دیروز، زمزمه های سه تری شدن گازوئیل بود که استقبال گسترده از نمادهای پالایشی را به دنبال داشت و بسیاری از این نمادها در صف خرید قفل شدند. این سیاست می تواند فشار نرخ گذاری بر پالایشگاه ها را کاهش دهد و جریان نقدی این شرکت ها را بهبود بخشد. این تحول نه تنها برای دولت، بلکه برای بورس نیز پیامدهای مثبتی به همراه دارد. نکته جالب دیگر معاملات دیروز، افت ارزش و حجم معاملات صندوق های طلا بود. این کاهش در صندوق های مبتنی بر طلا می تواند، نشانه ای از کاهش انتظارات تورمی در میان بخشی از سرمایه گذاران تلقی شود.

جدال بر سر هتل ولنجک

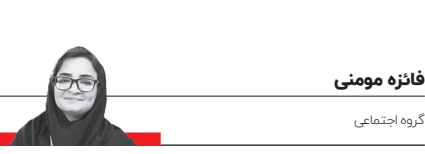
اختلافات قانونی بر سر برج‌های ۴۲ طبقه روی گسل ادامه دارد

گروه اجتماعی: پروژه «هتل ولنجک» شامل ساخت دو برج ۴۲ طبقه در منطقه ولنجک تهران به یکی از پرحاشیه‌ترین طرح‌های عمرانی پایتخت تبدیل شده است. این برج‌های ۳۰ طبقه روی زمین (به‌علاوه ۱۲ طبقه زیرزمین) قرار است در ارتفاع بالای ۱۸۰۰ متر از سطح دریا و دقیقاً روی پهنه گسل شمال تهران احداث شوند. همین موقعیت مکانی حساس باعث نگرانی گسترده کارشناسان و مسئولان شده و یک کشمکش کم‌سابقه میان شهرداری تهران با مدیریت علیرضا زاکانی و نهادهای عالی شهرسازی کشور (وزارت راه و شهرسازی و شورای عالی شهرسازی) به وجود آورده است.
کلید آغاز پروژه هتل ولنجک در سال ۱۳۹۶ زده شد؛ زمانی که اداره‌کل راه و شهرسازی استان تهران یک قطعه زمین ۶۶۶۷ متری واقع در بلوار دانشجو (خیابان آلاله) ولنجک را با شرط احداث هتل به بخش خصوصی واگذار کرد. در اسناد اولیه، ساخت هتلی ۳۰ طبقه روی زمین (به همراه ۱۱ طبقه زیرزمینی) هدف‌گذاری شده بود. ابتدا مجوز ساخت ۲۰ طبقه در نظر گرفته شد اما پس از شروع به کار مدیریت شهری جدید و شهردار شدن علیرضا زاکانی در سال ۱۴۰۰ درخواست مجوز به ۳۰ طبقه افزایش یافت. این تغییر بلندپروازانه بلافاصله زنگ خطر را برای کارشناسان شهری و زلزله به صدا درآورد چراکه ساخت سازه‌ای با این ارتفاع در ارتفاع بیش از ۱۸۰۰ متر و روی پهنه گسل فعال، آشکارا با ضوابط طرح جامع و تفصیلی تهران مغایرت داشت. سازمان بازرسی

گزارش: محیط زیست

سیستان زیر گردوغبار

زابل در ۴۸ درجه می‌سوزد؛ بادهای ۱۲۰روزه بی‌امان می‌وزند؛ هامون بدون حقابه می‌میرد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

سیستان بادهای موسمی (۱۲۰روزه) با شدتی بی‌سابقه را تجربه می‌کند که همراه با موج‌های گرما، زندگی مردم این منطقه را تحت فشار قرار داده است. شش‌اخص کیفیت هوای زابل و اطراف به وضعیت «بسیار خطرناک» رسیده و هواپیماهای پایش سازمان هواشناسی، آلودگی شدید و دید افقی کمتر از چند صد متر را گزارش کرده‌اند.
دمای ۲۵ اردیبهشت در زابل به حدود ۴۸ درجه سانتی‌گراد رسید و گرمای شدید موجب قطعی برق، مشکلات تامین آب و اختلال در حمل‌ونقل شهری شد. در شرایطی که بستر تالاب هامون خشکیده و حقابه هیرمند به ایران نرسیده است، توده‌های غبار از دل زمین برخاسته و بر سر مردم خیمه زده‌اند.
در برخی روزها سرعت باد بین ۷۰ تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت ثبت شده و دید افقی به زیر ۱۰۰۰ متر رسیده است. پدیده بی‌وقفه توفان و خیزش گردوغبار، کیفیت هوا را به مرز هشدار کشانده و در مواردی شاخص آلودگی (AQI) به محدوده «خطرناک» (۳۰۱-۵۰۰) رسیده است.
در این شرایط حتی گروه‌های حساس مانند کودکان و سالمندان در معرض خطر قرار گرفته‌اند. کارشناس محیط زیست می‌گوید، میزان آلاینده معلق در هوا صدها برابر حد مجاز افزایش یافته و آسمان مناطق مرکزی و شمالی سیستان را «فنس‌گیر» کرده است. از سوی دیگر، گرمای بی‌سابقه اردیبهشت به اضطراب‌رهای زیرساختی دامن زده است. گرما و گردوغبار هم‌زمان، شبکه برق را تحت فشار قرار داده و قطعی‌های پراکنده رخ داده است. مدیرکل هواشناسی محلی تایید کرده که این توفان‌ها علاوه بر تضعیف سیستم‌های برق و آب‌رسانی موجب تعطیلی چند ساعته برخی ادارات و مدارس شده است. به گفته او، تامین آب شرب به‌رغم خشکی چاه‌های نیمه، با تمهیدات جایگزین در دسترس است اما زندگی روزمره شهروندان به شدت مختل شده است.

تالاب هامون و منشأ ریزگردها

تالاب بین‌المللی هامون، زمانی «منبع حیات» و بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین فلات ایران بود، اکنون قربانی خشکسالی و تعلل شده است. گزارش‌ها حاکی است که هامون در سال‌های اخیر به کلی خشک و تبدیل به منشأ دائمی گردوغبار شده است. فعالان محیط زیست محلی و داده‌های هواشناسی همگی بر این نکته تأکید دارند که تخلیه آب از هامون و ادامه روند کم‌آبی، علت اصلی تشدید توفان‌های غبار است. معاون رئیس سازمان حفاظت محیط زیست می‌گوید، دولت به دنبال «مرطوب‌سازی» بستر تالاب است و طرح‌هایی چون ذخیره آب و غنی‌سازی پوشش گیاهی را در دست اجرا دارد اما تا زمانی که حقابه هامون به طور کامل تامین نشود، گردوغبار بی‌رحمانه ادامه خواهد یافت. تحلیل‌گران می‌گویند؛ حتی

سیلاب‌های غیرمجاز نیز برای روشن کردن آسمان سیستان کافی نیست. بررسی‌ها نشان می‌دهد، ایران هرگز حقابه مندرج در معاهده هیرمند را به طور کامل دریافت نکرده و آبی که وارد شده عمدتاً سیلاب و دشت‌مال بوده است. با خشک شدن بستر هامون و بدون جریان پایدار هیرمند، کانون‌های جدید ریزگرذ شکل گرفته‌اند؛ این شرایط به خصوص هنگام وزش بادهای ۱۲۰ روزه منجر به تشدید توفان‌های شن شده است.

مناقشه حقابه هیرمند؛ مذاکرات و مواضع

مساله حقابه هیرمند به تنش اصلی میان ایران و افغانستان تبدیل شده است. براساس معاهده ۱۳۵۱ افغانستان موظف است، سالانه حداقل ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب به ایران بدهد اما ایران بافشاری دارد که به مراتب کمتر دریافت می‌کند. روزنامه‌های داخلی یادآوری می‌کنند که در نشست‌های رسمی میان دو کشور، نمایندگان ایران با استناد به تصاویر ماهواره‌ای و گزارش‌های علمی، ادعای افغانستان درباره خشکسالی را رد کرده و خواهان اجرای دقیق تعهدات شدند. در جدیدترین تحولات، وزیر خارجه طالبان در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که «تامین حقابه ایران را وظیفه شرعی» خود می‌داند و حتی بدون معاهده، این کار را انجام می‌دادند. او گفته، ملت ایران بداند «ما هیچ نیت بدی درباره حقابه نداریم». همچنین نماینده افغانستان در جلسه مجمع نمایندگان مجلس ایران تأکید کرده است که اگر حتی یک قطره آب هم موجود باشد «مانع دسترسی ایران نخواهند شد» و برای «حسن‌نیت» دریچه‌های سد کمال‌خان را باز کرده‌اند. با این حال ناظران به سیاست دوگانه طالبان اشاره می‌کنند. از یک‌سو، در دیدار مقامات عالی دو کشور، اظهاراتی از حسن‌نیت گفته می‌شود؛ اما از سوی دیگر، سیلاب‌های سالانه قلیل و خشکی هامون نشان می‌دهد که عملاً حقابه اتفاقی برای منطقه نبوده است. یک گزارش از کابل می‌گوید؛ نشست‌های ۲۷ و ۲۹ کمیته مشترک آب، با وجود تعهدات رسمی، به دلیل «نداشتن اراده کافی طرف مقابل» به نتیجه نرسیده‌اند. کارشناسان نیز هشدار داده‌اند تا هنگامی که حقابه ایران تضمین نشود، روند مهاجرت کشاورزان و مشکلات منطقه ادامه خواهد یافت. اما بی عملی دولت‌ها با انتقادهایی همراه بوده است. رسانه‌های منتقد دیپلماسی آب دولتی نوشته‌اند که «نتیجتاً حقابه به صورت نمایشی رها می‌شود بلکه هیچ تضمینی برای تامین پایدار آن وجود ندارد» و دولت باید سخت‌گیرانه‌تر حق خود را مطالبه کند. مردم سیستان طی سال‌های گذشته چندین بار تجمع اعتراضی برگزار کرده و از دولت انتظار اقدام عاجل داشته‌اند. پایگاه خبری انصاف گزارش داده که بیش از سه هزار نفر در زابل تجمع کردند و سیاست خارجی تهران در مذاکرات آبی با طالبان را نقد کرد.

پیامدهای اجتماعی، بهداشتی و زیست‌محیطی
اثرات بحران آب و گردوغبار بر زندگی مردم سیستان عمیق و چندوجهی است. مقامات بهداشتی می‌گویند؛ کیفیت پایین هوا موجب تشدید

بیماری‌های قلبی – روی شده و توصیه‌ها به بیماران مبنی بر پرهیز از تردد در بیرون داده شده است. وضعیت مشابه محیط زیستی نیز اسفبار است؛ با خشک شدن هامون، تولید گل‌لای، گرد‌خاک و نمک در گستره هامون‌صابری افزایش یافته و از بین رفتن پوشش گیاهی طبیعی، بیابان‌زایی را تسریع کرده است. یک کارشناس بیابان‌زدایی هشدار می‌دهد که روند خشکی و آلودگی به طور دایره‌وار یکدیگر را تشدید می‌کنند: کاهش رطوبت، افزایش خشکی هوا و تضعیف پوشش گیاهی، توفان‌های گرد‌خاک را طاق‌ت‌فرساستر می‌کند. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تأکید می‌کند: «وقتی رطوبت محیط کم شود، خشکی هوا زیاد و پوشش گیاهی کمتر می‌شود، شدت گرد‌خاک و توفان بیشتر می‌شود». پیامد اجتماعی این وضعیت نیز آشکار است: مدارس مکرراً تعطیل شده و فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی و روزمزد به تعطیلی کشیده شده است. طبق گزارش‌ها در پی توفان‌های اخیر، ادارات هیرمند زودتر تعطیل شدند تا تردها کاهش یابد. مردم کروش به خانه‌ها پناه برده و فعالیت‌های روزانه به تعویق افتاده است. فعالان اجتماعی می‌گویند بیش از صد هزار تن از روستاییان سیستان مهاجرت اجباری را تجربه کرده‌اند و افزایش فقر و بحران روانی (ناشی از «هواخوری ممنوع برای کودکان و سالمندان») آینده این منطقه را با ابهام مواجه کرده است.

دیدگاه کارشناسان و راهکارها

بسیاری از کارشناسان راهکار علاج بحران را بازگرداندن آب به هامون می‌دانند. حسین سرگزی، کارشناس بیابان‌زدایی می‌گوید: برای مقابله با توفان‌های گردوغبار «سه کار بیشتر نمی‌توان انجام داد»: احداث بادشکن‌های مکانیکی، حفظ پوشش گیاهی با درختکاری و بوته‌کاری و تخصیص حقابه و آب‌پاشی برای نگه داشتن رطوبت. او تأکید می‌کند که هیچ یک از این اقدامات تاکنون به اندازه کافی عملی نشده است. به گفته وی، ایجاد پوشش گیاهی گسترده بدون تامین آب ممکن نیست و آب‌پاشی کل پهنه هامون نیز به دلیل وسعت زیاد عملی نیست؛ بنابراین رفع بحران در گرو جریان دائمی آب از هیرمند و تالاب‌سازی هوشمند است. گزارش‌ها و تحقیقات بین‌المللی نیز حاکی است، منطقه سیستان و هامون یکی از «بخش‌های گرم و خشک خطرناک کره‌زمین» به شمار می‌آید که بدون اقدام موثر برای مدیریت آب و خاک، وضع آن وخیم‌تر خواهد شد. کارشناسان بر این باورند که در شرایط فعلی آب، اصلی‌ترین درمان گردوغبار سیستان است. تا زمانی که منابع آبی بازنشانی نشوند و پوشش گیاهی تقویت نگردد، تکرار توفان‌های دشتناک و پیامدهای منفی آن بر سلامت و معیشت مردم اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. ادامه رکود در اجرای تعهدات بین‌المللی همراه با راهبردهای ناکافی داخلی، شرایط زیستی منطقه را به نقطه بحران‌زایی برده است؛ اکنون تردیدی نیست که گشودن گره حقابه هیرمند و احیای هامون ضامن بقای زنده سیستان است.



هیچ منع قانونی‌ای ندارد». شهردار تهران گلابه دارد که پروژه‌ای با این اهمیت گردشگری نباید معطل بماند و تمامی امضاهای نهادهای ذی‌ربط (ازجمله نمایندگان میراث فرهنگی و وزارت نیرو) پای مجوز موجود است. او حتی عنوان کرده: «اگر ابهامی هم باشد، پاسخگو خواهیم بود». در مقابل اصرار شهرداری، وزارت راه و شهرسازی و مراجع نظارتی بارها بر لزوم اجرای بدون تاخزل قانون تأکید کرده‌اند. غلامرضا کاظمیان، معاون شهرسازی وزیر راه و دییر شورای عالی شهرسازی، صراحتاً یادآور شده که شهرداری مکلف به اجرای قانون است. وی اشاره کرد که این پرونده یک بار توسط دیوان عدالت ابطال شده و دفعه دوم که در کمیسیون ۵ تصویب شد به دلیل مغایرت اساسی با طرح‌های بالادست به شورای عالی ارجاع شد. به گفته کاظمیان در بررسی شورای عالی اکثریت اعضا، مخالف پروژه بودند و طبق قانون تعیین تکلیف ساخت‌وساز در حریم گسل صرفاً بر عهده مرکز تحقیقات است. پس از اعلام نظر صریح این مرکز مبنی بر حداکثر ۱۰ طبقه، شهرداری موظف است عیناً به این محدودیت پایبند باشد. معاون وزیر تأکید کرد هرچند ممکن است نظرات کارشناسی متفاوتی وجود داشته باشد «اما مکلف به اجرای قانون و مرجع قانونی ذی‌ربط هستیم». این سخنان پاسخی مستقیم به ادعای شهردار درباره رد ایرادات توسط متخصصان بود؛ بدین معنا که نظر نهایی متخصصان رسمی (مرکز تحقیقات وزارت راه) بر تمامی دیدگاه‌های دیگر اولویت دارد.

خبر: میراث فرهنگی

سرقت در روز روشن

نسخ خطی ایلخانی
در هفته میراث فرهنگی به یغما رفتند

در اتفاقی شوکه‌کننده و هم‌زمان با آغاز هفته میراث فرهنگی، چند نسخه خطی نفیس از قرآن کریم و سکه‌های تاریخی از موزه شاه نعمت‌الله‌ولی در ماهان کرمان به سرقت رفتند. این سرقت عصر پنج‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ حدود ساعت ۵ بعدازظهر و درحالی رخ داد که تصاویر دوربین‌های مداربسته بیرونی، عبور بی‌مانعت مردی جوان با کلاه آفتابی سبز را هنگام خروج از مجموعه ضبط کرده‌اند. او بدون شستاب، قرآن‌ها را در دست دارد و به راحتی محل را ترک می‌کند.

با اینکه این سرقت در روز روشن و در محل پرتردد اتفاق افتاده، متولیان موزه تا صبح شنبه از آن بی‌خبر بوده‌اند. گزارش‌های اولیه نشان می‌دهد که موزه در زمان وقوع حادثه بسته بوده و فردی که برای نظافت مراجعه کرده، اولین کسی بوده که فقدان آثار را متوجه شده و موضوع را به مسئولان اطلاع داده است.

براساس اطلاعات موجود، در این موزه حدود ۲۰ نسخه خطی قرآن نگهداری می‌شده که متعلق به دوره ایلخانی هستند و از میان آنها، چهار نسخه ارزش جهانی دارند. هنوز مشخص نیست که دقیقاً کدام نسخ به سرقت رفته‌اند. علیرضا هاشمی‌نژاد، استاد دانشگاه و پژوهشگر خوشنویسی که سابقه تحقیق روی این آثار را دارد، پیش‌تر نسبت به وضعیت نگهداری نامناسب و نبود حفاظت کافی هشدار داده بود.

سینا بنی‌اسد، دادستان عمومی و انقلاب ماهان، در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرد که پرونده‌ای قضایی برای پیگیری این سرقت تشکیل شده و سه نفر ازجمله مدیر موزه و دو نگهبان بازداشت شده‌اند. به گفته او، چهره سارق از روی ویدئوها شناسایی شده اما هنوز هویت و محل اختفای او مشخص نیست. همچنین او تأکید کرد که به‌رغم برخی شایعات، هیچ آسیبی به بنای موزه وارد نشده است. وی نقص تجهیزات نظارتی را عامل اصلی بروز این سرقت دانست و افزود که در صورت اثبات قصور، علیه دستگاه‌های متولی اعلام جرم خواهد شد. بازگرداندن آثار ربوده شده اکنون به اولویت اصلی مراجع قضایی و امنیتی تبدیل شده است.



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

تقویم: از نژادپرستی تا عدالت‌خواهی



مالکوم ایکس و محمدعلی کلی در دهه ۶۰ میلادی

مالکوم ایکس یکی از تاثیرگذارترین رهبران جنبش حقوق مدنی سیاه‌پوستان آمریکا در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود. او پس از یک دوران پرآشوب در جوانی، در زندان با آموزه‌های اسلامی آشنا شد و به مدافعی صریح و پرشور علیه نژادپرستی و تبعیض بدل گشت. مالکوم ایکس با سخنرانی‌های آتشین و بی‌پرده‌اش، وجدان سیاه‌پوستان را بیدار کرد و ساختار نابرابر قدرت در آمریکا را به چالش کشید. او پس از سفر به حج و آشنایی با اسلام سنتی، دیدگاه‌هایش را تعدیل کرد و به وحدت انسانی و عدالت جهانی فراخوان داد. اما سرانجام در ۲۱ فوریه ۱۹۶۵ در حالی که در نیویورک برای هوادارانش سخنرانی می‌کرد، ترور شد. اندیشه‌های او همچنان الهام‌بخش جنبش‌های ضدنژادپرستی و عدالت‌خواهی در سراسر جهان باقی مانده است.

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۶۳

ادامه پنج‌شنبه ۱۱ بهمن

اصابت موشک کروز به یک روستا در قندهار

در افغانستان، اصابت موشک کروز آمریکا به یک روستا در قندهار و کشتن جمعی از مردم و نیز حمله به روستای دیگری به عنوان تصرف یک انبار مهمات باقی‌مانده از طالبان، باعث خشم مردم شده و در [شهر] پکتیا، درگیری شدید مسلحانه بین استانددار انتصابی [حامد] کسری، [رئیس دولت موقت] و حاکم سابق پیش آمده و این وضع در بسیاری از نقاط افغانستان قابل تکرار است. در پاکستان گروه جدیدالولادت به نام «جنبش اعاده استقلال پاکستان» یک خبرنگار آمریکایی [به نام دانیل پرل] را به اتهام عضو [سازمان] سیا بودن ربوده و ضرب‌الاجل ۲۴ ساعته‌ای اعلام کرده که آمریکا، اسرای پاکستانی را آزاد کند. گروه جدید دیگری به نام «الصاعقه» به ژنرال [پرویز] مشرف، [رئیس‌جمهور پاکستان] هشدار داده که از تبدیل پاکستان به یک دارالکفر خودداری نمایند. در شیراز و اراک، امروز جمعی از معلمان اجتماع و تظاهرات داشته‌اند.

جمعه ۱۲ بهمن

امواج مخالفت با اظهارات بوش در جهان

امواج مخالفت با اظهارات [جورج] بوش در سراسر جهان اوج می‌گیرد و مسابقه‌ای در تمسخر او دیده می‌شود. کره شمالی گفت، بوش دچار جذام اخلاقی شده و سنگگوی دولت چین گفت، چین نمی‌تواند با این اظهارات غیرسازنده موافق باشد. رئیس دومای روسیه این اظهارات را به شدت محکوم کرد و اتحادیه اروپا رسماً اعلام کرد که توسعه روابط با ایران را ادامه می‌دهد و رسانه‌های آمریکا هم متضاد برخورد کرده‌اند.

آریل شارون، [نخست‌وزیر اسرائیل] دیروز گفت که پشیمان است از اینکه در جریان [کشتار ساکنان اردوگاه‌های] صبرا و شتیلا به زندگی [یاسر] عرفات، خاتمه نداده و اتحادیه اروپا و تعدادی از کشورها این اظهارات را محکوم کرده‌اند.

[دونالد] رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا گفته باید خود را برای تحمل ضربه‌هایی به مراتب هولناکتر از حوادث ۱۱ سپتامبر آماده کنیم. این هشدار را به دنبال اعلام اینکه در مراکز القاعده، اسنادی از جمله نقشه نیروگاه‌های اتمی آمریکا و سایر نقاط حساس به دست آمده که تروریست‌ها برنامه حمله به آنها را دارند و احتمالاً این اظهارات را برای تحریک افکار عمومی آمریکا و گرفتن بودجه نظامی و ارباب کشورهای دیگر می‌گویند. جورج بوش هم در دانشگاهی در جنوب آمریکا، حرف‌های خود را تکرار کرده است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین

نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی

اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۰۰۲۱۴/۱۳۱۷۱۲۶۰۰۰۲۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک باوی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مصطفی تمیمی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۵۳۶ صادره از بشماره ملی ۱۷۵۶۵۲۵۹۲۷ در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۹۴۵ متر مربع پلاک ۲۴ فرعی از ۲۸ اصلی مفروز و مجزی شده واقع در بخش ۵ باوی خریداری از مالک رسمی آقای غلامرضا صباد نژاد طبق سند قطعی ۱۳۹۸/۰۶-۲۹۹۸/۳-۱۳۹۵/۳ دفتر خانه ۲ اهواز محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.شناسه: ۱۹۲۲۰۴۰ (تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳) (تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹) رئیس ثبت اسناد و املاک باوی- احمد شعبی

او به اصول سنتی اجتهاد وفادار بود و در عین حال، نگاه اخلاقی و تربیتی را از فقه جدا نمی‌دانست. در نظر او علم فقه باید در خدمت تهذیب نفس باشد؛ نه ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به قدرت.

آیت‌الله بهجت از پرگویی درباره عرفان پرهیز داشت اما عمیقاً



عارف بود. در سخنان کوتاهش، جان حکمت اسلامی موج می‌زد. جمله‌هایی مانند: «اگر انسان خود را در محضر خدا ببیند، دیگر گناه نمی‌کند» یا «بزرگ‌ترین ذکر، ترک گناه است» نه‌فقط توصیه اخلاقی بلکه تقلیل عرفان به زیست روزانه و قابل دسترس برای همگان بود. او عرفان را از خلوت‌نشینی‌های سخت و واژگان پیچیده به آداب نگاه و رفتار فردی فرو می‌کاست. او به سنت حکمت متعالیه وفادار بود اما بیشتر از آنکه سخن فلسفی بگوید، فلسفه را زندگی می‌کرد.

کرامات یا شفافیت روح؟

هرچند خود هیچ‌گاه درباره این مسائل سخن نگفت اما اطرافیان و شاگردانش، روایت‌های زیادی از کرامات، پیش‌بینی‌ها

و حالات خاص معنوی ایشان نقل کرده‌اند. گفته می‌شود که برخی از دیدارکنندگان بدون آنکه مشکلی را مطرح کنند، پاسخ خود را از او دریافت می‌کردند. اما آنچه اهمیت داشت، نه کرامت به‌عنوان نشانه‌ای فراطبیعی بلکه پاکی باطن، اتصال دائم به ساحت الهی و نیت خالصانه‌ای بود که در وجودش موج می‌زد.

ازجمله محورهای اصلی گفتار آیت‌الله بهجت، تاکید مکرر بر نماز اول وقت، مراقبت از نگاه و عمل به دانسته‌ها بود. او باور داشت که بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی با همین سه اصل قابل درمان است. او اهل سیاست نبود اما همواره از انحرافات معنوی، دنیاطلبی در لباس دین و تظاهر دینی پرهیز می‌داد. در جمله‌ای که به کرات از ایشان نقل شده، گفته است: «(راه نجات، عمل به دانسته‌هاست؛ نه دانستن آنچه عمل نمی‌کنیم)».

نیامده بود که بماند اما ماندگار شد

آیت‌الله بهجت در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ در سن ۹۳ سالگی دارفانی را وداع گفت. تشییع جنازه باشکوه او در قم، نمایش آشکار احترام عمیق مردم به سلوکی بود که نه با خطابه بلکه با زندگی ساده و خالصانه شکل گرفته بود. پیکرش در صحن حرم حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد؛ جایی آرام برای مردی که سراسر عمر در سکوت، دیگران را به بیداری دعوت کرد.

منابع:

- ۱- محمدحسین رجبی دوانی، شرح احوال علمای شیعه معاصر، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲.
- ۲- مصاحبه‌های منتشرشده از شاگردان آیت‌الله بهجت در سایت رسمی ایشان bahjat.ir.
- ۳- کتاب «در محضر بهجت» از محمدحسین رحیمیان، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴- مجموعه گفت‌وگوهای شفاهی در پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه علمیه قم.
- ۵- آرشو روزنامه اطلاعات، اردیبهشت ۱۳۸۸.

شناسه آگهی ۱۹۳۱۵۸۱		نوبت اول
آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای		
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:		
شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۷۲۲۴۰۰۰۰۱۶	
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای RK-۴۰۲۰۹۰۳۲۱۶-۲۲ مناقصه شماره ۰۴/۰۱۰-R۲	
موضوع مناقصه / شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید سویچ شبکه، روتور معماری اینترنت	
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۱۵/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	
نوع تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۳۲۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می باشد.	
مبلغ برآوردی مناقصه	۳۱۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می باشد.	
آخرین مهلت بازگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (روزمه) در سامانه ستاد	ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می باشد.	
آخرین مهلت بازگزاری پیشنهادات فنی / مالی در سامانه ستاد	پس از ارزیابی کیفی مناقصه گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی به‌همراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می گردد.	
آدرس مناقصه گزار	استان بوشهر - شهرستان عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی -پالایشگاه دوم - ساختمان مدیریت پالایشگاه دوم	
بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد وبه پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.		
مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های۲۴۲۶-۰۷۳۳۱۳۱۲۲۴۸ تماس حاصل فرمایند.		
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹	
روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی		